

چهارشنبه ۱۳۵۸ فروردین

ارتش و سپاه پاسداران با کشتار  
دسته جمعی زنان و کودکان  
بی دفاع روستای "قلعه‌تار"  
"قارنا" ای دیگری آمربند.

۱۶ صفحه - قیمت ۲ رزبه

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۵۲

# پیام نوروزی آیت‌الله خمینی چه کسانی را خشنود کرد؟

● پیام نوروزی آیت‌الله خمینی در مقایسه با زمانی که مرکز جاسوسی امریکا تسخیر شد، حاکی از چرخشی است که در سیاست و سمت‌گیری ایشان حاصل شده است.

پیام سوم آیت‌الله که به مناسبت نوروز  
فرستاده شد و سید احمد خمینی، روز اول  
فروردین در بستگان رژیم سابق را صادر  
کرد و بعد بر نتایج انتخابات صحه گذاشت  
مکمل دو پیام قبلی بود.  
بقید در صفحه ۳

در هفته آخر سال ۵۸، آیت‌الله خمینی  
در دو پیام جداگانه، نخست حکم آزادی  
ساواکی‌ها و واپسگان رژیم سابق را صادر  
کرد و بعد بر نتایج انتخابات صحه گذاشت

## توسط ارتش و پاسداران فاجعه "قارنا" در "قلعه‌تار" تکرار شد

● همچون سال گذشته بهار زحمتکشان کردستان به خون کشیده شد

باشد تا با خیزش دگرباره  
طبیعت، آرمان رهائی کارگران  
وزحمتکشان میهن و توانمندتر  
از گذشته نداوم یابد.  
خلق کرد نیز با این امید  
که سال نو، سال شکوفائی  
زمستان پایان یافتد و در  
آرمان رهائی اش باشد همچون  
سایر خلقها و زحمتکشان میهن  
بهار را استقبال کرد. اما  
بقید در صفحه ۵

ارتش و پاسداران در نخستین روزهای فروردین با تانک و مسلسل به دهکده "قلعه‌تار" حمله کردند کودکان، زنان و مردان پیر روستا را زیر تانکها گرفتند و سپس برای محوجنایات خود با تریپ دهکده را به کلی ویران ساختند.

زمستان پایان یافت و در خود یکی از بزرگترین تب و تاب مبارزه ضدد حمامه‌های دوران امپریالیستی توده‌های آفریدند، بهار را با امید به سایر خلقها و زحمتکشان میهن می‌نهان بهار فرا رسید. پیروزی‌های هرچه بیشتر به مردمی که با قیام تاریخی یکدیگر شادباش می‌گویند.

## در این شماره:

- رئیس جمهور و اوضاع مناسب!
- سیاست‌های گام به گام گام به گام شاه را به ایوان فزدیک می‌کند

● بیش‌نویس قانون جدید تأمین اجتماعی

یارونوشت قانون تأمین اجتماعی رژیم شاه (ساده)

نامه بیک کارگر بسکار برای نشره‌تار

● دولت و کمیته کارگران را روانه زندان می‌کند!

اقدامات ضد مردمی دادستان گند

درسته ۱۱

● فنودالها و زمینداران بزرگ علیه دهقانان متعدد می‌شوند

درسته ۱۰

## آرمان بنی صدر: پیام کارتر

در اخبار تلویزیونی روز شنبه ساعت ۹/۵ بعدازظهر با سرعت تمام اعلام می‌شود که جیمی کارت رئیس جمهور امریکا برای امام خمینی پیامی فرستاده است. در تمام مدت جریان حسن این پیام طولانی، تصویر "مهریان" جیمی کارت ردر کتاب نیز تصویر "معصوم" روزالین کارت به مردم نشان داده می‌شود.

در این پیام، از پیام نوروزی آیت‌الله خمینی به عنوان سندی که کارتر را خشنود ساخته است، ستایش شد. به محض پخش این پیام از رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی، کاخ سفید و شخص جیمی کارت را رسال چنین پیامی را فوای سکدیب کردند. اینک چندروز است که بنی صدر و فطحزاده و سایر مقامات بر صحت این پیام پافتشاری می‌کنند و کاخ سفید مرتب و وجود چنین پیامی را تکذیب می‌کنند. اینها می‌گویند خود کارتر پیام را فرستاده، آنها می‌گویند ما از چنین پیامی هیچ اطلاعی نداریم. این بازی‌ها هرچه باشد. ماجراه پیام و چگونگی تهییم و بقید در صفحه ۲

## اعتراضات وسیع مردم به انتخابات همچنان ادame در

با بالاگرفتن موج اعتراضات توده‌های مردم به تقلبات و تخلفات انتخاباتی، دولت و شورای انقلاب ظاهرا پذیرفتند که هیئت‌ویژه و کمیسیونی برای رسیدگی به افتضاحات انتخابات تشکیل دهند. ما معتقدیم که این هیئت ویژه نه تنها تقلبات را بر ملا نخواهد کرد، بلکه بر تقلبات بزرگ و آشکار هم سریوش خواهد گذارد. اینان در کشف حقایق پشت پرده همانقدر مومن و معتمد خواهند بود که هیئت‌های بررسی از جانب رئیس جمهور حقایق مربوط به ترور رهبران خلق ترکمن را در اختیار مردم گذاشتند! در صفحه ۸

## چرا خواست رئیس جمهور اطاعت کورکورانه از فرماندهان ارتش شاه است؟

ارتش بازمانده رژیم شاه که شد، می‌کشد از بستر نقاوت بخش عظیمی از ماشین دولتی برخیزد و با احیای نظام اسرکوبک آن را تشکیل می‌داد. اطاعت کورکورانه، سازماندهی بین از شحمل ضرباتی که در پیشین اش را بازیافته و بر قیام شکوهمند بهمن نصیب شد

**سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلق‌های ایران هستند**

توضیح:

پیامون انتشار جزوی ای  
حاوی بخشی از مذاکرات پلنوم سازمان

هوشگاسدی‌هاودیک  
به چنین اقداماتی دست می‌زنند  
جاسوسان شناخته شده و  
نشاختهای که در درون صفوی  
به شیوه‌ای پلیسی اسناد درون  
سازمانی "کوموله" را سرقتو  
دست به انتشار آن زده است.  
کرده و می‌گند کوشش‌های از  
تربیت و پرورش جاسوسان  
سیاسی، دزدی اسناد و  
مدارک سیاسی سازمان‌ها،  
انتشار این اسناد با هدف  
تضعیف سازمان‌های سیاسی زیر  
پوشش‌های ریاکارانه، گسترش  
جهوی اعتمادی، سوءظن،  
کوشش‌های پلیسی برای نفوذ  
در تشكیلات سایر نیروهای  
و خبرکشی و جمع آوری اطلاعات  
پلیسی از درون جریان‌های  
سیاسی شیوه‌ای است که جنبش  
سالهای توسط "حزب توده"  
دنیال شده و به اجرا گذاشته  
شده است. جعفریان‌ها،  
شهریاری‌ها، قربی‌ها،  
تدابیر لازم را تخدان نماید.

پلنوم فقط برای رفقاء‌ی لازم  
وقابل استفاده است که از قبل  
و سیاعدار جریان این  
وضعگیری‌ها و بحث‌های بوده‌اند  
و چاپ و انتشار آن ضرورتی  
نداشته است.

انتشار علیه صورت مذاکرات  
بدین شکل تهامتی تواند مورد  
توجه عناصری باشد که قبل از  
آنکه به مبارزه ایدئولوژیک  
به معنای اصولی آن پایین‌د  
باشد در فکار ضایعه کنگاری‌های  
پلیسی و تعیلات جاسوسان  
ما بانه خویش بوده باشد. ما  
این عمل پلیسی را مربوط به  
محکوم می‌کنیم و نسبت به  
عواقب عدم مبارزه بیکری‌با  
این شیوه "توده‌ای‌ها" بهمه  
گروهها و سازمان‌های متفرقی  
پلنوم. زیرا من کاملاً  
باور نیست که "حزب توده"  
سخنان شرکت کنندگان در

آخر اقسامی از مباحثت  
نخستین پلنوم سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران، اجلاس پلنوم سازمان، تمام  
با عنوان "درباره بحران" جریان‌های سیاسی دیگر را که  
در رون سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران انتشار  
یافته است.

در این رابطه توضیحات  
زیر را به سود جنبش  
کمونیستی ایران می‌شناسیم  
ریزا جریان‌های مخربی را که  
زیر پوش مارکسیسم -  
لینینیسم به جنبش کمونیستی  
ایران خیانت می‌کند افسا  
می‌کند و صفوی جنبش  
کمونیستی را بالایش می‌دهد.  
۱- این جزو توسط "حزب  
توده" که به شهادت سابق  
۴۵ ساله‌اش بدعت گذار  
شیوه‌های پلیسی و جاسوس  
بروری است بازی پاکداشت  
شدن عرف و سنت مبارزاتی  
بادروشی و دغلکاری به نام  
گروهی از هواهاران سازمان  
انتشار یافته و توضیح  
این "حزب" در سطح جامعه  
به معرض فروش گذاشته شده

۲- این جزو توسط "حزب  
توده" که به شهادت سابق  
شیوه‌های پلیسی و جاسوس  
بروری است بازی پاکداشت  
شدن عرف و سنت مبارزاتی  
بادروشی و دغلکاری به نام  
گروهی از هواهاران سازمان  
انتشار یافته و توضیح  
این "حزب" در سطح جامعه  
به معرض فروش گذاشته شده

۳- صورت مباحثی که  
انتشار یافته کامل نیست  
ناشرین با حذف بخش‌های از  
بررسی‌بیم زاست را

در جنبش کمونیستی ایران  
مورد حمله قرار می‌داده سعی  
در مخدوش کردن سمت و جهت  
مباحثات نموده‌اند.

۴- عدالت‌شکل پلنوم  
سازمان تصمیم گرفت مباحث  
پلنوم را در سطح کل تشكیلات  
طرح نماید. یعنی صورت  
جلسات کامل پلنوم علاوه بر  
اعمال سازمان در سطح

هسته‌ها و محافل واسطه  
سازمان نیز به سمت گذاشته  
شود و ماین ترتیب با گسترش  
بحث‌های مبنی تعمیق و گسترش  
دستاوردهای مباحث مذکور  
فرام آید. سازمان در مورد

برخی دیگر از بحث‌های  
ایدئولوژیک درون سازمانی نیز  
چنین روشنی را اتخاذ نموده  
است. و این امر در اکثر

بخش‌های سازمان صورت  
گرفت.

۵- ماتوجه به وضعیت عینی  
روابط هواهاران جریان‌های  
سازمان مختلف در سطح جنوبی،  
سازمان در همان رمان ناطرح  
مباحث گفتارهای دارد این سطح

دریافت گرفت ایران  
کشوری دیگر کارتر در آستانه انتخابات ریاست  
جمهوری نمی‌توانست احساس ضدخمینی امریکائیان را که  
توسط وسائل ارتباط جمعی و خود حکومت امریکا برانگیخته  
شده است، نادیده بگیرد.

مقامات ایرانی برای ارسال این پیام به سفارت سوئیس  
که روابط بسیار نزدیکی با کاخ سفید دارد، تماس می‌گیرند.

سفارت سوئیس کار تهیه این پیام را به عهده می‌گیرد و  
همانگونه که از محتوای پیام کارتر معلوم است، سیاست مطلوب

می‌شود.

دریام کارتر بر سیاست مشترک ایران و امریکا علیه  
کسوئیس بین‌الملل و علیه دولت افغانستان تاکید می‌شود و

بس از تعریف از دمکراسی امریکائی چنین می‌گویند:

"می‌خواهم جسارت اعلام دارم که بد نظرمن زمان و  
سیاست همان سیاستی  
دستگردی سیاستی مربوطه ما به زیان ما  
مسئولند."

حواله گرفت، امر فاقه

## پیام کارتر

بقيه‌زار صفحه ۱

اما تکذیب‌نامه کارتر، مانور سیاسی سازشکاران و کارگزاران  
سیاست "کام به کام" به سوی امریکا را موقتاً با اختلال  
روبورو می‌سازد و سیاستی که می‌کوشد از هرفروضی بسیار  
نزدیکی به "غرب" بهره جوید با دشواری تازه‌ای، روبورو  
می‌شود.

همانطور که گفته شد، چندان مهم نیست، آنچه اهمیت  
دارد، تلاشی است که شورای انقلاب، رئیس جمهور و وزیر  
خارجه برای عادی کردن روابط دیپلماتیک و فرونشاندن سور  
واحسات ضدامپریالیستی مردم از خود نشان می‌دهند.  
این است که زیر نیم کاسه پیام کارتر.

پیام اسرارآمیز کارتر محتوای مطلوب شورای انقلاب را  
در خود داشت و زمینه سازش با امریکا بر سر تحويل شاه،  
سازش با امپریالیسم امریکا بر سر جاسوسان امریکائی، سازش  
با امپریالیسم امریکا برای قراردادهای نظامی و  
تحویل گرفتن سلاح‌ها و قطعات یدکی موردنیاز ارتش و  
خلافه سازش با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امیریالیسم  
له بـ مخصوص، انتشار پیام آمام، مقامات حکومتی بـ ویژه وزیر  
خارجه با محافل نزدیک کاخ سفید تعاس می‌گیرند که هرچه  
زودتر از نکات "مطلوب" پیام استفاده کنند.

رئیس جمهور بارها اعلام کرده بود که اگر امریکا  
اشتباهات خود را بپذیرد و تعهد کند که در امور ایران  
دخلالت نمی‌کند (یعنی اگر امپریالیسم امریکا اعلام دارد که از  
این پس امپریالیست نخواهد بود)، ما می‌توانیم روابط  
تلخ کرد هاست در مودم این توهم را ایجاد کند که  
امپریالیسم امریکا دیگر مثل کذشته عمل نخواهد کرد نا هر  
دور می‌شود، می‌بینند و دوای درد بـ درمان خود را  
نزدیکی هرچه بیشتر با امپریالیسم جهانی جستجو

می‌کنند. مجریان این سیاست ماهه‌است که آشکارا سیاست  
دوستی با امپریالیسم امریکا و دشمنی با دولت هـ او  
نیروهای ضدامپریالیست را دنبال می‌کنند. مجریان این  
سیاست که می‌دانند در آینده‌ای نه‌چندان دور هـ یـ هـ  
پایکاهی در میان مردم نخواهند داشت، با عجله به تقویت  
ارتش و ترمیم شبکه‌های جاسوسی ساواک روی آورده‌اند و  
در این راه فقط امپریالیسم جهانی است که می‌تواند پـ اـ  
و پـ شـتـیـان آـنـانـ باـشـد.

سیاست شورای انقلاب هـ مـانـ سـیـاستـ دـولـتـ باـزـگـانـ  
است با این تفاوت که می‌خواهد سیاست "کام به کام" را  
قطـانـهـ بهـ پـیـشـ بـردـ. اـینـ سـیـاستـ اـمـرـوزـ باـ دـانـشـجـوـیـانـ  
دـشـمنـیـ بـرـخـاستـهـ استـ. اـینـ سـیـاستـ مـصـمـمـ استـ بـرـایـ حـفـظـ  
نـظـامـ سـرـمـایـهـ دـارـیـ وـ فـروـشـانـدـنـ مـبـارـزـاتـ ضدـامـپـرـیـالـیـستـ  
تـوـدهـهـاـ ثـغـرـاتـ انـقـلـابـ مـرـدمـ وـ ثـغـرـاتـ خـونـ شـهـدـانـ رـاـ بهـ  
پـایـ اـمـپـرـیـالـیـسـمـ اـمـرـیـکـاـ بـرـیـزـنـدـ. اـینـ سـیـاستـ هـمانـ سـیـاستـیـ  
استـ کـهـ درـ بـرـاـبـرـ مـبـارـزـاتـ درـخـشـانـ تـوـدهـهـاـ وـ اـتـحـادـ عملـ  
نـیـروـهـایـ انـقـلـابـیـ مـحـکـومـ بـهـ شـکـستـ استـ.

دریام کارتر بر سیاست مشترک ایران و امریکا علیه  
کسوئیس بین‌الملل و علیه دولت افغانستان تاکید می‌شود و

بس از تعریف از دمکراسی امریکائی چنین می‌گویند:

"می‌خواهم جسارت اعلام دارم که بد نظرمن زمان و  
سیاست همان سیاستی  
دستگردی سیاستی مربوطه ما به زیان ما  
مسئولند."

نـاـبـودـ بـادـ جـبـهـ سـرـمـایـهـ دـارـانـ وـ زـمـینـ دـارـانـ

بقیه صفحه ۱

# پیام نوروزی آیت الله خمینی چه کسانی را خشنود ...

استقلال ایران، یعنی کار، مسكن، آزادی، یعنی نابودی سلطه امپریالیسم، یعنی کارگران بیکار نباشد، یعنی مردم سلطه چاولگران را نابود کرده باشد، یعنی کارگران حقوق خود را کسب کرده باشند و استثمار سرمایه‌داری را از میان برده باشد. یعنی فشار گرانی که نتیجه افزایش قیمت‌ها و نتیجه حرص سرمایه‌داران است حان مردم را به لب نرساند. یعنی وقتی راننده‌تاكسی تصادف کرد و یا فلاں کاپ مریض شد خانواده‌اش را گرسنگی تهدید نکند. یعنی زحمتکشانی که سرپناهی نداشتند، درمنازلی که تسخیر کرده‌اند، باقی بمانند و کسی نتواند آنها را بعنوان ضدانقلاب از سرپناهشان بیرون کند یعنی راغه شیان و خانه‌بدوشان در آپارتمانها و شهرکهایی که ساکن شدند و خون خودشان درست شده‌است. رندگی کند. یعنی دهقانان زمین‌های را که روی آن کار می‌کنند در اختیار داشته باشد و زمین‌داران ستونند بار دیگر زمین‌ها را از چنگ آنها بیرون بیاورند. آری برای مردم امنیت وقتی به دست می‌آید. ریشه استثمار، بیکاری، بیماری، بی‌سروادی، خانه بدوشی و ... از میان رفتہ باشد.

اما امنیت برای سرمایه‌داران و زمین‌داران ای این که مردم را بچاپد و کسی نفی‌ساز بیرون نماید. همه خده شوند، یعنی میلیون‌هانفر از مردم ما بیکار باشند اما هیچ‌کس جبرات نتلق کشیدن نداشته باشد، یعنی زمین‌داران ستونند زمین‌ها را از چنگ دهقانان بیرون بیاورند، یعنی زمین‌داران مبارزات دهقانان را سرکوب کنند، یعنی سرمایه‌داران مبارزات کارگران را سرکوب کنند، یعنی سربازان و درجه‌داران کورکورانه از فرماندهان اطاعت کنند تا در فرست مناسب بشود زحمتکشان را به خاک و خون کشید، یعنی این که ایران رامش زمان شاه بچاپند، مردم را سرکوب کنند، همه را اسیر کنند اما آب از آب تکان خورد. یعنی هر کس اعتراض کرد، بعنوان مخل نظم دستگیرش کنند و اگر خیلی "مراحم" بود، سرش را ریزآب کنند. این است یعنی امنیت برای سرمایه‌داران و ستمگران.

علوم است که مردم کدام امنیت را میخواهند و طبقه سرمایه‌دار و محافل وابسته به آن برای به راه انداختن سرمایه‌های خود و کسب سود هر چه بیشتر و به جیب‌زدن همه شمرات کار زحمتکشان و همه درآمدهای نفت ایران، کدام امنیت را می‌خواهد.

امنیت اولی را که خواست زحمتکشان است، فقط خود مردم می‌توانند برقرار کنند. فقط کسانی می‌توانند برقرار کنند که معنی بیکاری، گرسنگی، بی‌خانمانی و گرانی را می‌فهمند و استثمار و ستم سرمایه‌داری را با گوش و پوست و خون حود لمس می‌کنند. این امنیت را سورای مردمی، باید در کارخانه و روستا و ارتش و هر جایی بذر تشكیل شوند، می‌توانند برقرار کنند. ای. نیت دومی که خواست سرمایه‌داران است با زور به دست می‌آید و فقط ارتاش و پلیس و زاندارمی و سارمان امنیت می‌توانند برقرار کنند. این امنیت را ظهیر نژادهای، فلاحی‌ها و سایر نوکران شاه برقرار می‌کنند. این امنیت برای مردم کمال نامنی و بی‌نظمی است سرمایه‌داران و زمین‌داران و فرماندهان ارتش می‌خواهند هرچه زودتر و به هر ترتیبی شده، جلوی رشد آگاهی توده‌ها و رشد نیروهای بقیه صفحه ۴

اکنون در جلو چشم ماهستند. آنها ضدکمونیست بودند و هستند و می‌بینیم که چگونه به دامان امپریالیسم افتاده و به چماق نفراتانگیز امپریالیسم در منطقه ما تبدیل شده‌اند. شعار "نه شرقی، نه غربی" یک شعار پیروز و بی معناست. "شمره تلتیخ این نوع تغیر در سالهای آینده روش می‌گردد خیلی‌ها این راه را رفت و آن را آزموده‌اند. مردم ایران از سرنوشت این رژیم‌ها پندخواهند گرفت و اجازه نخواهند داد شعره خون شهدایشان لک‌نمای کسانی بشود که به انتظار به شمر رسیدن این سیاست هستند.

استقلال و آزادی ایران و رهایی کارگران و دهقانان می‌بینیم ما در صورتی تأمین خواهد شد که ریشه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالی امریکا در می‌بینیم ما درست به هرآقادامی می‌زند و همه مگر بالتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست اعم از

کمونیست‌ها دشمنان شماره یک امپریالیسم هستند. هر رژیمی که با کمونیست‌ها دشمنی کرده، بالاخره به دامان امپریالیسم افتاده است.

نیروهای متفرقی ملی و مذهبی تا انقلابی‌ون کمونیست. هرگونه نفاق افکنی میان این نیروها و تلاش در جهت سرکوب آنها بدون شک بهسود امریکا و هموارکننده راه تحکیم سلطه امپریالیسم است.

امام درجای دیگر این پیام چنین گفته‌اند: "امسال سالی است که باید امنیت به ایران بازگردد و مردم شریف در کمال آسایش زندگی نمایند."

مردم با مبارزات درخشنان خود به پیروزی‌های بزرگی رسیده‌اند، کارگران تا حدود زیادی متعدد و مشکل شده‌اند و شوراهای کارگری اختیار خیلی از کارخانه‌ها را به دست گرفته‌اند. دهقانان در بسیاری از نقاط زمین‌ها را از چنگ اربابان و مالکان بیرون آورده‌اند، سربازان و درجه‌داران و افسران جزء آگاه شده و متحدا در برای فرماندهان ارتش ایستاده‌اند. و زیربار اطاعت کورکورانه نمی‌رود، در برخی از مناطق زحمتکشان منازل و آپارتمان‌های سرمایه‌داران را تبخیر کرده‌اند، مردم برای پیروزی کامل خود و نابودی کامل سرمایه‌داری و سلطه امپریالیسم مبارزه خود را ادامه می‌دهند، کارگران و دهقانان به پسا خاسته‌اند تا اختیار همه کارخانه‌ها و زمین‌هارا به دست گیرند، مردم مصمم‌اند همه مظاہر سرمایه‌داری و استثمار را از میان بردارند. امروز مبارزات کارگران، دهقانان و همه مردم زحمتکش ایران علیه سرمایه‌داری و زمین‌داری در سراسر ایران جریان دارد. آیت‌الله خمینی در پیام نوروزی شان عملیه هستند. هر رژیمی که با کمونیست‌ها دشمنی کرده، بالاخره به دامن امپریالیسم افتاده است. در هیچ‌کجا دنیا رژیمی پیدا نمی‌شود که توانسته باشد بدون اتحاد با انقلابیون کمونیست مبارزه با امپریالیسم را به پیش برده باشد چه برسد به اینکه بخواهد با کمونیست‌ها دشمنی کند. تاریخ کمونیست‌ها دشمنان شماره یک امپریالیسم هستند. هر رژیمی که با کمونیست‌ها دشمنی کرده، بالاخره به دامن امپریالیسم افتاده است. در هیچ‌کجا دنیا رژیمی پیدا نمی‌شود که توانسته باشد بدون اتحاد با انقلابیون کمونیست مبارزه با امپریالیسم را به پیش برده باشد چه برسد به ثابت کرده‌است که تمام رژیم‌هایی که

امنیت برای کارگران و زحمتکشان چه مفهومی دارد؟

امنیت برای کارگران و زحمتکشان یعنی

امام چه کفت؟

"ما با کمونیسم بین‌الملل به همان اندازه درستیزیم که با جهانخواران غرب به سرکردگی امریکا"

هر روز که می‌گذرد بیشتر آشکار می‌شود که مهربه‌های استخواندار امریکائی حساس‌ترین پست‌های حکومتی را در دست خود گرفته‌اند. سرنشته اقتصاد ما همچنان در ذست امریکاست. طبقه سرمایه‌دار ایران که هم طرفدار امریکا و هم وابسته به امریکا است، جان مردم را به لب رسانیده‌است. گرانی و قحطی و بیکاری را آنها به مردم زحمتکش می‌بینیم ما تحمیل کرده‌اند.

فرماندهان شاهدوس است و دست پرورده امریکا روز به روز جای پای خود را محکم می‌کند.

امپریالیسم امریکا از خارج و داخل برای سرکوب توده‌های استدیده‌ای ایران و تحکیم سلطه خویش بر می‌بینیم ما دست به هرآقادامی می‌زند و همه دولت‌های ارتجاعی منطقه از پاکستان و عراق و

عربستان گرفته‌امروز اسrael همه متحدا و دوشادش ارباب خود را محکم می‌کند.

تدارک می‌بینند. سال‌هast که کسانی که می‌خواهند چهره‌واقعی امپریالیسم و امپریالیست‌ها را مخفی کنند و می‌کشند تا با نهادن نام کمونیست‌ها در کنار نام سرمایه‌داران دست

اعتبار کنند و از طرف دیگر علیه کمونیست‌ها دشمن سرخست سرمایه‌داری و امپریالیسم هستند، که دوست واقعی مردم زحمتکش هستند، تبلیغات

کنند. تاریخ و تمام شواهد تاریخی ثابت کرده است که دشمنی با کمونیست‌ها که تا آخرین قطره خون خود با شاه و امریکا جنگیده‌اند دشمنی با

کمونیست‌ها که در صرف مقدم جبهه خلق علیه امپریالیسم و همه مظاہر آن با تمام وجود خویش مبارزه می‌کنند، فقط و فقط به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکاست. همین کمونیست‌ها بودند که گروه گروه به دستور امپریالیسم امریکا و

شها به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و استقلال ایران به دست شاه جنایتکار اعدام می‌شدند و تا پای چوبه اعدام نیز فریاد بر می‌کشیدند

"زنده باد زحمتکشان - مرگ بر امپریالیسم مرگ بر سرمایه‌داری" همین کمونیست‌ها هستند که امروز به دست باندهای سیاه و نوکران سرپرده امپریالیسم امریکا شکنجه و حتی ترور می‌شوند.

ایا گلسرخی‌ها و جزئی‌های باندگندکه پرچم خونین مبارزه علیه امپریالیسم را در می‌بینیم نگه‌میداشتند؟

آیت‌الله خمینی در پیام نوروزی شان عملیه جزئی شهید را با تهرانی جlad و گلسرخی را با جladان ساوک و ویتنام قهرمان را با امپریالیسم امریکا و خسرو روزیه را با

تیمور بختار مساوی و یکی دانسته‌اند. کمونیست‌ها دشمنان شماره یک امپریالیسم هستند. هر رژیمی که با کمونیست‌ها دشمنی کرده، بالاخره به دامن امپریالیسم افتاده است. در هیچ‌کجا دنیا رژیمی پیدا نمی‌شود که توانسته باشد بدون اتحاد با انقلابیون کمونیست مبارزه با امپریالیسم را به پیش برده باشد چه برسد به

ثابت کرده‌است که تمام رژیم‌هایی که

کمونیست‌ها دشمنی کرده‌اند، رژیم‌هایی که کمونیست‌ها را سرکوب کرده‌اند و به جوخته اعدام سیرده‌اند، حتی حلقه نوکری امپریالیسم را به گردن اداخته‌اند. رژیم مصر و عراق هم

# بسیج مسلح توده‌ها صامن پیروزی خلق‌های ماست

# پیام نوروزی آیت اللہ خمینی ...

انقلابی را بگیرند، مادام که مردم به مبارزه در خشان خود برای نابودی سلطه سرمایه‌داری و امیری بالیسم ادامه می‌دهند، برای سرمایه‌داران، برای زمین‌داران امنیت وجود ندارد. از این‌رو است که آنها می‌خواهند امنیت لازم را برای کسب سود، برای دربند کشیدن مردم و برای غارت و استثمار بی‌حساب خود تأمین کنند. در پیام نوروزی آمده‌است هرکس در ارتقی اخلال کند و یا اعتراض راه بیان‌دارد و یا کنم کاری کند، باید شدیداً مواخذه شود" من دیگر بی‌نظمی در ارتقی را به‌هیچ‌وجه تحمل نمی‌کنم؛ و هرکس در کار ارتقی اخلال کند، بلا فاصله‌هی عنوان ضدانقلاب به ملت معرفی می‌شود تأملت عزیز حسابش را یا باقی مانده ارتقی شاه‌جهانی‌تکار روش گرداند.

امام طوری صحبت می‌کند که گویا معتبرضیین در ارتش جمهوری اسلامی همان "باقی مانده ارتش شاه حنایتکار" هستند. ما می‌پرسیم آیا پرسنل انقلابی ارتش که سوابق فضاحت‌بار فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی را انتشار داده‌اند، که بروندۀ فرماندهان حنایتکار ارتش را فشا کرده‌اند و با اعتراض خود خواستار تصفیه آنها شده‌اند، "باقی مانده ارتش حنایتکار" هستند، یا همان تیمسارهایی که هنوز ناج شاه روی دوششان است، که صدها جنایت‌کرده‌اند و به پاداش آن از دست شاه در رحه گرفته‌اند؟ مگر در جمدادارانی که در داشگاه تحصیل کرده‌بودند چه می‌خواستند و چه می‌گفتند؟ آنها می‌گفتند: "مردم بهوش‌باشید، فرماندهان خائن د، فکر کودتا بند"

آسها می گفتند که فلاحتی‌ها و علوی‌ها وابسته به امپریالیسم و دست پرورده ارتش جنایتکار شاه

اعتراض طبقه کارگر، اعتراض انقلابی است. اعتراضی به حق است. این سیاست‌های شورای انقلاب است که مردم را به اعتراض و آداشته، مردم ضدانقلابی نیستند. کسانی ضد انقلابی اند که مردم را سرکوب می‌کنند که صدای خلق را خاموش می‌کنند.

اعتصابی ضدانقلاب است و حقوق بی جهت  
می خواهد و به مردم توصیه می شود که حساب  
کارگران اعتصابی را بررسد. چطور انتظار دارید  
کارگرانی که درزندگی خود بعد از سالها کار  
هنوز هم همیج چیز ندارند بهز دو دست برای  
کارکردن برای سرمایه دار و اگر یک روز کار نکند،  
زحمت نکشد گرسنه می ماند، حق ندارند علیه  
این نظام جابرانه سرمایه داری اعتراض کنند؟  
چگونه انتظار دارید کارگرانی که از گرانی  
سرسام آور، از گوشت کیلویی ۶۰ تومان، مرغ  
کیلویی ۳۵ تومان، از قحطی و بیکاری جانشان  
بر لب آمده، کارگرانی که از ولع و طمع سیری  
نپادیزیر سرمایه دار جانشان به لب آمده ساکت  
بینشینند، کارگرانی که به خاطر زدن حرف حق  
می خواهد از کارگاه اخراج شان کنند، کارگرانی  
که شورای واقعی تشکیل می دهند، کارگرانی که  
خواستار اخراج عناصر مشکوک و عوامل رژیم شاه  
و ساواک از کارخانه هستند و وقتی دولت و  
حکومت هم به همیج وجه گوش به حرف آنها ندهد،  
حق دارند اعتراض کنند و باید اعتراض کنند.  
اعتراض طبقه کارگر اعتراض انقلابی است.  
اعتراضی به حق است. این سیاست های شورای  
انقلاب است که مردم را به اعتراض و اداشته  
مردم ضدانقلاب نمی نمایند. کسانه ضدانقلاب اند

هستند به همین خاطر اعتراض کردند. حالا  
کسانی که برای تصفیه ارتش از لوث و حداد  
جنایتکاران دست پرورده رژیم شاه به اعتراض  
برخاسته‌اند و سربازان و  
درجهداران انقلابی که دیگر زیربار ظلم و حسوز  
فرماندهان نمی‌روند و دیگر حاضر نیستند به  
روی مردم آتش کنند، مدانقلابی، اخلالگر و  
باقی مانده ارتش جنایتکار شاه معرفی می‌شوند.  
سربازان و پرسنل انقلابی که در پادگان‌ها هستند،  
هم خودشان را خوب می‌شناشند و هم نفر به نفر  
این فرماندهان را می‌شناشند. آنها خوب می‌دانند  
که باقی مانده ارتش جنایتکار شاه کیست!  
فرماندهان ارتشی یا سربازان و درجهداران  
انقلابی؟

آیا هر اعتمادی در ارتش بد است؟ آیا وقتی  
تیمسار علوی‌ها در راس ارتش هستند، باز هم  
پرسنل مبارز ارتش نباید حق اعتراض داشته  
باشد؟ آیا پرسنل ارتش نباید بگویند: "مردم  
به هوش باشید، فرماندهان خائن در فکر کودتا باید"  
آیا هر کس که به وجود طرفداران شاه و امریکا دارد  
ارتش اعتراض کند، ضدانقلابی است و باید از  
ارتش اخراج شود؟!

با بن بست رو برو است . از طرفی ظرفیت محدود  
تاریخی اش به وی اجازه نمی دهد که از طریق بیوسمیت شاختن حق خود مختاری خلق کرد ، مسئلها را به شیوه مای مسالمت آمیز حل کند و از جانب دیگر با توجه به عمق بحران موجود و درهم ریختگی ارتشد راه حل نظامی نیز از قبل محاکوم به شکست است و هر کاه به چنین ماجرا جوشی ای دست بزند ، عواقب و می آمدهای آن با توجه به شکست حتی ارتشد ، بسیار قابل تعمق و بررسی است . صفت بندی نیروها نشان می دهد که این بار برخلاف گذشته جنبش مقاومت خلق کرد از مشتوانه مادی و معنوی در سراسر ایران بر خوردار است که برای هیئت حاکمه سرکوب آنها در موقعیت کنونی امکان پذیر نیست .

با توجه به ساخت طبقاتی  
جامعه ایران، هر روز بهر آز  
قبل روش می برده که همچ  
سیروئی به جز طبقه کارگر قادر  
نمحل ریشمای بحران موجود  
که ناشی از تداوم وابستگی  
سینهین ما به امپریالیسم  
می باشد، نیست و سرنوشت  
خرده بورزوای جز شکست در  
سبارزه ضد امپریالیستی  
می باشد. حل مسئله خلقها و  
نامین منافع واقعی زحمتکشان  
جامعه تنها توسط طبقه کارگر

ما ضمن محکوم کردن جنگ‌افروزی‌های هیئت حاکمه از مبارزه عادلانه خلق کرد قاطعانه دفاع نموده و از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم با حمایت فعال از خلق قهرمان کرد ، صف نیروهای ضدامپریالیست را هرچه بیشتر تحکیم بخشند .

مکان پذیر است و ایمن  
واقعیتی است که توده‌ها در  
تجربه عملی خود هر روز به  
آن نزدیکتر می‌شوند.  
طبقه‌کارگر ایران بیش از هر  
نیروی دیگری در دفاع از  
جنپیش مقاومت خلق کرد ذیل نفع  
است زیرا آدامه موجود است  
جنپیش مقاومت در کردستان در  
حفظ نهادهای دموکراتیک  
جهت آگاهی و تشکل طبقه  
کارگر، نقش اساسی دارد.  
بنین لحاظ مَا ضمن محاکِم  
ساختن جنگافروزی‌های هیئت  
حاکمه در کردستان، قاطعانه  
ز مبارزه عادلانه خلق کرد  
دفاع نموده و از سایر نیروهای  
نواudar طبقه‌کارگر و دموکراتهای  
نقابی می‌خواهیم با حمایت  
فعال از خلق قهرمان کرد،  
صفوف نیروهای ضد  
مپریالیست و دموکراتیک را

توضیح ارتش و پاسداران فاجعه قارنا ... بقیه از صفحه ۱

خلع ملاع نیروهای انقلابی و مردم، تصفیه پرسنل انقلابی ارتیش و تلاش جهت بازسازی ارتیش ضد خلقی، گرفتن قطعات بدکی سلاح‌های امریکائی و همچوپرهای کبرا از ایتالیا، سخنرانی‌های تهدیدآمیز فرماندهان مزدور علیه جنبش مقاومت خلق کرد، تلاش برای نابودکردن شوراهای انقلابی ارتیش، انحلال انتخابات در قسمتی از کردستان، شکست مذاکرات هیئت ۵ نفره حزب دمکرات در تهران و سرانجام اوج گرفتن تبلیغات عوامگریانه در مطبوعات علیه نیروهای جنبش مقاومت و طرح بازگشت زیرالهای شاه جناهتکار به غرب کشور از جانب آنها، همراه با پیام نوروزی آیت الله خمینی که انعکاس دیدگاه بنی صدر نسبت به مسائل موجود انقلاب ایران بود... دورنمای گسترش جنگدار کردستان را هرچه روشن تر تصویر می‌کند.

کسانی که از شکست مفتضحانه گذشته خود در کردستان درس نگرفته‌اند، می‌اندیشند که هرگاه بتوانند ارتیش شاهنشاهی را بازسازی کنند و با طرح و برنامه‌ای از

نشینان به خاطر مصادره اراضی بزرگ مالکان در سراسر کردستان شدت یافته است. سیاست سازمان ما بر این قرار دارد که از مبارزات خوش نشینان و دهقانان زحمتکش به مخاطر نابود کردن سلطنه فتووالها و زمین داران بزرگ در منطقه فعالانه حمایت نموده و با گسترش میارزه طبقاتی زحمتکشان، میارزه در راه کسب خود مختاری در کردستان را درجهت منافع زحمتکشان خلق کرد و به سود اهداف تاریخی طبقه کارگر ایران هدایت نماید. اکنون در تمام مناطقی که ارگان های دولتی حاکمیت دارند، فتووالها و ایادی واپسیه به آنها، از جانب ارتیش، زاندارمی و سیاه پاسداران مورد حمایت قرار گرفته و آنها را علیه جنبش مقاومت خلق کرده مسلح نموده اند. امری که حفکو استاندار آذربایجان غربی به عبیث تلاش درینها ن ساختن آن دارد. روستائیان منطقه اشتویه و نقدهه در روزهای گذشته شاهد بودند که چگونه هنگامی که دهقانیان زحمتکش در روستای "چیانه" تضمیم به مصادره اراضی بهمن

ارومیه (ترکور و مرگور) از جانب برخی فئودال‌های منطقه نظری رشدید که خورشیدگ و احمدگ که مورد حمایت کامل زاندارمری می‌باشد، تحریکاتی علینه دهقانان زحمتکش و پیشمرگهای مستقر در آینه مناطق آغاز گردید که در پیک مورد باعث درگیری گردید. ولی هوشیاری نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد از گسترش آن جلوگیری نمود. در روزهای اخیر باردیگر اعمال تحریک آمیز مزدوران وابسته به فئودالها و زاندارمها، شدت یافتد که در جریان آن چند پیشمرگه توسط جاشها اسیر می‌شوند. ادامه اینگونه حرکات از جانب فئودال‌ها و زاندارمی، دلنهٔ تشنج و درگیری در منطقه را گسترش بخشید که درنتیجه آن پاسگاه سی کانیان و چند پاسگاه دیگر منطقه که تبدیل به پایکاه اصلی فئودال‌هنا و مزدوران آنها شده‌بود، توسط پیشمرگهای قهرمان، خلیع سلاح گردید.

در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۵۹ خداناقلابیون وابسته به حزب خلق مسلمان در نقده به

جنایتکارانی که نمی‌توانند  
شاهد وحدت خلقوهای ایران  
و گسترش مبارزه ضدداد  
امپریالیستی آنها باشند، مثل  
سال گذشته بهار زحمتکشان  
کردستان را به خون کشیدند و  
با قتل عام تمام کودکان و زنان  
و مردان کهنسال در قله‌های ،  
صفحه سیاه دیگری بر جنایات  
تنگین خود افزودند.

همه آنها که قلبشان برای  
رهائی زحمتکشان می‌هستند  
می‌تهد، با تمام وجود علمیین  
این جنایت هولناک را محاکوم

دولت ضمن عدم پذیرش  
مذاکره بانمایندگان خلق  
کرد و در پیش گرفتن سیاست  
دفع الوقت، می خواهد جنگ  
خونین و گسترده دیگری را  
علیه خلق کرد تدارک  
ببیند. اما خلق قهرمان  
کرد آگاهتر، استوارتر و  
مصمم‌تر از گذشته همه  
این تلاش‌ها را در هم  
خواهد شکست.

می‌کند و از خلق قهرمان کرد  
در مبارزه عادلانه‌اش دفاع  
می‌کند.

مسئولین این قبیل جنایات را باید در کجا جستجو نمود؟ چگونه و با چه انگیزه‌ای می‌توان مردم بی سلاح را با تبر سر برید و آنکه بدان نام مانور ارتش در منطقه را داد؟ آنها که دست جلادان قارنا را در منطقه بازگذاشتند و از معرفی آنها خودداری می‌کنند، آنها که جلادان قارنسا را در راس ارتش و در راس امور گذاشتند آنها که فرزندان دلاور خلق ترکمن را مخفیانه تیربیاران کردند و عملیات باندهای سیاه را حمایت می‌کنند، زمینه را برای قتل عام مردم قله‌تان فراهم نمودند.

مسئولین این جنایت را نه درمیان "پاسداران معمودی" بلکه باید درمیان کسانی جستجو نمود که علیرغم شکست‌های گذشته، جنبش مقاومت خلق کرد را نادیده نگاشته و تاکنون حتی حاضر به مذاکره با نمایندگان واقعی خلق کرد (هیئت‌نمایندگی خلق کرد) نشده‌اند. و با در همین گرفتن سیاست دفع الوقت تحمیل جنگ دیگری به خلق کرد را تدارک می‌بینند و فهم اکنون آن را آغاز کرده‌اند مردم سراسر میهن باید جنگ‌افروزان واقعی و عاملین بین جنایت‌زنگین در کردستان را بشناسند.

در هفته‌های گذشته در سلطه کدبخش اطلاع

پرتوان بادجنبش طبقه کارگر، پیشناز همیار زات صندای مپیالپستی-دموکراتیک خلقهای ایران





## رئیس جمهور و اوضاع ...

بقیه زصفحه

سرمایه‌داران یعنی اینکه فریاد حق طلبانه کارگران و زحمتکشان برای کار، نان، مسکن و آزادی صدای "ضدانقلاب" نامیده شود و به نام مردم و بدست ارشت آنرا خاموش کنید! شرایط مساعد برای سرمایه‌داران یعنی اینکه مبارزات دهقانان و زحمتکشان روزتا، با توب و تائیک فرماندهان ارتضی که مورد حفاظت شماست، سرکوب شود، خانه‌ها یا شان و پران گردد و آواره ولایت غربت‌گشته و به خاک و خون کشیده شوند.

آفای رئیس جمهور شما سی توپید مسئولیت گرفتگی، بیکاری، سی مسکنی، گرانی، بی درمانی و بی‌سروادی می‌لیویها عزار هم می‌هنا رزحمتکش ایرانی را با توجه به اینکه یک سال از قیام می‌گذرد و می‌لیاردها دلار از فروش نفت خام به امپریالیست‌ها در بانکهای امپریالیستی دخیره کرده‌اید، به گردن دیگران سیدارید. در حالیکه میلیون‌ها تر بیکار سمار، گرسنگ و سی‌حانه‌هستند، شما آنای رئیس‌جمهور چطور جراحت می‌کنید از میلیاردها دلار اند وحنه ارزی در بانکهای امپریالیستی صحبت کنید و عدم به کاربردن آن رادرجهت رفع مشکلات مردم، نیومن اوضاع مناسب ذکر نکنید!

دخیره کردن پول نفت در بانکهای امپریالیستی و کاهش مدادوم قیمت آن، بزرگترین خیانت به منافع زحمتکشان و همه مردم ایران است.

شما دشمنان مردم ما شرور انقلابی و مبارزات حق طلبانه مردم ایران را مسئول ناامنی و گرانی و بیکاری قلمداد می‌کنند؟

مسئول نابسامانی‌ها زحمتکشان نیستند. آنان فربانیان سرمایه‌داری هستند. آنان استقلال، کار، مسکن و آزادی می‌خواهند و درست هم تشخیص داده‌اند که امنیت کذاشی شما تنها فقر و بیکاری و خانه‌بدوشی بیشتر آنها را در پی خواهد داشت. امنیت سرمایه‌داران یعنی بی‌خانعانی و عدم امنیت کارگران و زحمتکشان.

است که امیر بالیسم چهارلکر انگلیس دولتش را "دولت رفاه عامه" معرفی می‌نماید. قوانین بیمه‌های اجتماعی هم اکنون عرصه شمول

وسعی تری یافته و دیگر منحصر به محیط کارگاهها نیست و جنبه اجتماعی تری یافته است ولی این "قانون اجتماعی" از نظر کیفی همان ادامه‌گسترش آئین نامه‌های کارگاهی است که شمول اجتماعی پیدا کرده است و ااما آنچه که در رابطه با قانون تامین اجتماعی برای سرمایه‌داران مبارزات دهقانان و زحمتکشان روزتا، با توب و تائیک فرماندهان ارتضی که مورد حفاظت شماست، سرکوب شود، خانه‌ها یا شان و پران گردد و آواره ولایت غربت‌گشته و به خاک و خون کشیده شوند.

آفای رئیس جمهور شما سی توپید مسئولیت گرفتگی، بیکاری، سی مسکنی، گرانی، بی درمانی و بی‌سروادی می‌لیویها عزار هم می‌هنا رزحمتکش ایرانی را با توجه به اینکه یک سال از قیام می‌گذرد و می‌لیاردها دلار از فروش نفت خام به امپریالیست‌ها در بانکهای امپریالیستی دخیره کرده‌اید، به گردن دیگران سیدارید.

در حالیکه میلیون‌ها تر بیکار سمار، گرسنگ و سی‌حانه‌هستند، شما آنای رئیس‌جمهور چطور جراحت می‌کنید از میلیاردها دلار اند وحنه ارزی در بانکهای امپریالیستی صحبت کنید و عدم به کاربردن آن رادرجهت رفع مشکلات مردم، نیومن اوضاع مناسب ذکر نکنید!

دخیره کردن پول نفت در بانکهای امپریالیستی و کاهش مدادوم قیمت آن، بزرگترین خیانت به منافع زحمتکشان و همه مردم ایران است.

شما دشمنان مردم ما شرور انقلابی و مبارزات حق طلبانه مردم ایران را مسئول ناامنی و گرانی و بیکاری قلمداد می‌کنند؟

مسئول نابسامانی‌ها زحمتکشان نیستند. آنان فربانیان سرمایه‌داری هستند. آنان استقلال، کار، مسکن و آزادی می‌خواهند و درست هم تشخیص داده‌اند که امنیت کذاشی شما تنها فقر و بیکاری و خانه‌بدوشی بیشتر آنها را در پی خواهد داشت. امنیت سرمایه‌داران یعنی بی‌خانعانی و عدم امنیت کارگران و زحمتکشان.

## پیش‌نویس قانون جدید تأمین اجتماعی یارونوشت قانون تأمین اجتماعی رژیم شاه

(قسمت اول) است که امیر بالیسم چهارلکر انجلیس دولتش را "دولت رفاه عامه" معرفی می‌نماید. قوانین بیمه‌های اجتماعی هم اکنون عرصه شمول وسیع تری یافته و دیگر منحصر به محیط کارگاهها نیست و جنبه اجتماعی تری یافته است ولی این "قانون اجتماعی" از نظر کیفی همان ادامه‌گسترش آئین نامه‌های کارگاهی است که شمول اجتماعی پیدا کرده است و ااما آنچه که در رابطه با قانون تامین اجتماعی برای سرمایه‌داران مبارزات دهقانان و زحمتکشان روزتا، با توب و تائیک فرماندهان ارتضی که مورد حفاظت شماست، سرکوب شود، خانه‌ها یا شان و پران گردد و آواره ولایت غربت‌گشته و به خاک و خون کشیده شوند.

آفای رئیس جمهور شما سی توپید مسئولیت گرفتگی، بیکاری، سی مسکنی، گرانی، بی درمانی و بی‌سروادی می‌لیویها عزار هم می‌هنا رزحمتکش ایرانی را با توجه به اینکه یک سال از قیام می‌گذرد و می‌لیاردها دلار از فروش نفت خام به امپریالیست‌ها در بانکهای امپریالیستی دخیره کرده‌اید، به گردن دیگران سیدارید.

در حالیکه میلیون‌ها تر بیکار سمار، گرسنگ و سی‌حانه‌هستند، شما آنای رئیس‌جمهور چطور جراحت می‌کنید از میلیاردها دلار اند وحنه ارزی در بانکهای امپریالیستی صحبت کنید و عدم به کاربردن آن رادرجهت رفع مشکلات مردم، نیومن اوضاع مناسب ذکر نکنید!

دخیره کردن پول نفت در بانکهای امپریالیستی و کاهش مدادوم قیمت آن، بزرگترین خیانت به منافع زحمتکشان و همه مردم ایران است.

شما دشمنان مردم ما شرور انقلابی و مبارزات حق طلبانه مردم ایران را مسئول ناامنی و گرانی و بیکاری قلمداد می‌کنند؟

مسئول نابسامانی‌ها زحمتکشان نیستند. آنان فربانیان سرمایه‌داری هستند. آنان استقلال، کار، مسکن و آزادی می‌خواهند و درست هم تشخیص داده‌اند که امنیت کذاشی شما تنها فقر و بیکاری و خانه‌بدوشی بیشتر آنها را در پی خواهد داشت. امنیت سرمایه‌داران یعنی بی‌خانعانی و عدم امنیت کارگران و زحمتکشان.

سی‌می‌کنند به توده‌ها غیرواقعي و فربیکارانه دارد. نه تنها این قانون بلکه تمامی قوانین حاکم بر نظام اسلامی هم تواند از آن سر در چیزی تهیه کرده که قبل از هر چیزی حاوی جمیع صفات قوانین این حاکم سرمایه‌داری است و ما در این مقاله آن را مورد بررسی و انتقاد قرار می‌دهیم بررسی این قانون چیزی جز سند محاکمه آن را در بر ندارد چون چیزی جزو نوشت قانون تامین اجتماعی رژیم آریامهری، بیمه‌آریامهری و... گذشته نیست ولی ضرورت این بررسی بیشتر به خاطر آن است که این سند بعنوان یک "قانون انقلابی" مطرح می‌شود و از آنجا که با مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان سروکار می‌یابد و مبارزه انقلابی باید با "قانون نگیریست. آن را که قانون کار آریامهری و... نماید، این بحث را لازم می‌دانیم.

قبل از بررسی شخص این پیش‌نویس ذکر چند نکته درباره مختصات قوانین متعارف ضروری است. حقوق دانها عمولاً در تعريف مختصات قانون به این اصل تکیه می‌کنند که "قانون باید صراحت داشته باشد. "اما عمولاً اکثریت قابل تبدیل سهی از آن در خدمت منافع طبقات حاکمه، بیشترین استعداد و مهارت علمی و فنی شان را بکار می‌گیرند تا هرچه بیشتر قوانین را بیچیده‌تر، مبهم تر و تفسیرپذیرتر نمایند. حال چرا طبقه سرمایه‌دار قانون را در قالب عباراتی دوپهلو، مبهم و بیچیده بیان می‌نماید؟ چون باید استثمار، غارت، فقر، فلاکت و سرکوب توده‌ها را در پرده ابهام نگهدارد و به کمک دروغ آن را بیبارید. این دروغ که دولت سرمایه‌داری در واقع دولت هم‌است، منافع سرمایه‌داران با منافع زحمتکشان فرقی ندارد و دروغ‌های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه‌های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیرده دست تهیه و تدوین می‌شود. قانونی که سرشماراز تزویر و دروغ است، نمی‌تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان ماهیت آن باشد. در این رابطه قوانین حامی منافع زحمتکشان ضراحت دارد. چون از حقیقت سخن می‌گوید و مبهم گوئی ندارد، چون نیازی به دروغ گوییان چیره دست ندارد. سرمایه‌داران و حامیان آنها

مسئله قانون تامین اجتماعی از دیدگاه طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار متفاوتی دارد.

از نظر کارگران - در چهار چوب نظام سرمایه‌داری مسئله تامین اجتماعی در رابطه با مبارزه برای بهتر کردن شرایط کار و تامین خواسته ای اقتصادی و اجتماعی ملmostش مفهوم می‌یابد.

از دیدگاه طبقه سرمایه‌دار مسئله قانون تامین اجتماعی به دو صورت مطرح است:

۱- از نظر اقتصادی - او ضرورت بازارسازی تولید و تامین نیروی کار را می‌بیند، یعنی امکان ادامه استثمار و در این رابطه است که به کارگران در تدوین قوانینی چون قانون کار، قانون تامین اجتماعی، طرح طبقه بنده‌داری مشاغل و... به "صاحب نظران" حامی سرمایه‌داری مجال آن را نمی‌دهد که منافع سرمایه‌داران را بیش از این حفظ نمایند. شرکت فعال نمایندگان واقعی و آگاهانه تر است.

نمایندگان آگاه کارگران و زحمتکشان با اینکا به همین تجربه و تشکیلات می‌توانند مشت قانون نویسان شعبده باز را بکشانند. شرکت فعال نمایندگان واقعی و آگاه کارگران در تدوین قوانینی چون قانون کار، قانون تامین اجتماعی، طرح طبقه بنده‌داری مشاغل و... به "صاحب نظران" حامی سرمایه‌داری مجال آن را نمی‌دهد که منافع سرمایه‌داران را بیش از این حفظ نمایند. شرکت فعال نمایندگان واقعی کارگری در بررسی قانون تامین اجتماعی از چنین قوانین سرمایه‌داری و افشاء ماهیت آن باشد. در این رابطه گیری از چنین قوانینی را بسیار می‌بینیم. دروغ آن را بیبارید. این دروغ که دولت سرمایه‌داری در واقع دولت هم‌است، منافع سرمایه‌داران با منافع زحمتکشان دروغ‌های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه‌های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیرده دست تهیه و تدوین می‌شود. قانونی که سرشماراز تزویر و دروغ است، نمی‌تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان ماهیت آن باشد. در این رابطه قوانین حامی منافع زحمتکشان ضراحت دارد. چون از حقیقت سخن می‌گوید و مبهم گوئی ندارد، چون نیازی به دروغ گوییان چیره دست ندارد. سرمایه‌داران و حامیان آنها

گرفت. این تجربه توده‌ها پشتونه همبستگی و اتحاد بیشتر و تشکیلات می‌توانند مشت قانون نویسان شعبده باز را بکشانند. شرکت فعال نمایندگان واقعی و آگاه کارگران در تدوین قوانینی چون قانون کار، قانون تامین اجتماعی، طرح طبقه بنده‌داری مشاغل و... به "صاحب نظران" حامی سرمایه‌داری مجال آن را نمی‌دهد که منافع سرمایه‌داران را بیش از این حفظ نمایند. شرکت فعال نمایندگان واقعی کارگری در بررسی قانون تامین اجتماعی از چنین قوانین سرمایه‌داری و افشاء ماهیت آن باشد. در این رابطه گیری از چنین قوانینی را بسیار می‌بینیم. دروغ آن را بیبارید. این دروغ که دولت سرمایه‌داری در واقع دولت هم‌است، منافع سرمایه‌داران با منافع زحمتکشان دروغ‌های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه‌های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیرده دست تهیه و تدوین می‌شود. قانونی که سرشماراز تزویر و دروغ است، نمی‌تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان ضراحت دارد. چون از حقیقت سخن می‌گوید و مبهم گوئی ندارد، چون نیازی به دروغ گوییان چیره دست ندارد. سرمایه‌داران و حامیان آنها

مشکیلات واقعی کارگری در بررسی قانون تامین اجتماعی از چنین قوانین سرمایه‌داری و افشاء ماهیت آن باشد. در این رابطه گیری از چنین قوانینی را بسیار می‌بینیم. دروغ آن را بیبارید. این دروغ که دولت سرمایه‌داری در واقع دولت هم‌است، منافع سرمایه‌داران با منافع زحمتکشان دروغ‌های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه‌های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیرده دست تهیه و تدوین می‌شود. قانونی که سرشماراز تزویر و دروغ است، نمی‌تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان ضراحت دارد. چون از حقیقت سخن می‌گوید و مبهم گوئی ندارد، چون نیازی به دروغ گوییان چیره دست ندارد. سرمایه‌داران و حامیان آنها

توجه نشان می‌دهد. ۲- از نظر سیاسی - طبقه سرمایه‌دار می‌کشد دولت این را می‌تواند کارگری از چنین قوانین سرمایه‌داری و افشاء ماهیت آن باشد. در این رابطه گیری از چنین قوانینی را بسیار می‌بینیم. دروغ آن را بیبارید. این دروغ که دولت سرمایه‌داری در واقع دولت هم‌است، منافع سرمایه‌داران با منافع زحمتکشان دروغ‌های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه‌های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیرده دست تهیه و تدوین می‌شود. قانونی که سرشماراز تزویر و دروغ است، نمی‌تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان ضراحت دارد. چون از حقیقت سخن می‌گوید و مبهم گوئی ندارد، چون نیازی به دروغ گوییان چیره دست ندارد. سرمایه‌داران و حامیان آنها

توجه نشان می‌دهد. ۲- از نظر سیاسی - طبقه سرمایه‌دار می‌کشد دولت این را می‌تواند کارگری از چنین قوانین سرمایه‌داری و افشاء ماهیت آن باشد. در این رابطه گیری از چنین قوانینی را بسیار می‌بینیم. دروغ آن را بیبارید. این دروغ که دولت سرمایه‌داری در واقع دولت هم‌است، منافع سرمایه‌داران با منافع زحمتکشان دروغ‌های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه‌های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیرده دست تهیه و تدوین می‌شود. قانونی که سرشماراز تزویر و دروغ است، نمی‌تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان ضراحت دارد. چون از حقیقت سخن می‌گوید و مبهم گوئی ندارد، چون نیازی به دروغ گوییان چیره دست ندارد. سرمایه‌داران و حامیان آنها

## فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

## اعتراضات وسیع مردم به انتخابات همچنان آدامه دارد

ایران، امدهای مردم  
ستندده وطن ما کداست  
شده است.

همجنس در شهران حبس  
الاسلام مروارید عصو جامه  
رو حاصلت بیار شهران سے  
نگلہای عرب حمبوی اسلامی

اعتراض کرد و گفت:  
اُس کار انتلاف بسیار کار  
سائیدی سود.

و حدیثهای آقای حامهای را  
در ردوشیهای انتلاف بر ملا  
کرد.

رئیس داشکاه صفتی  
شریف نامهای برشیس  
جمهوری فضای انتخابات را

مسمو "نامد.  
فروره به خاطر تقلیمات  
استخانی از بست

متعی سد، اما آب الله  
حمسه، استعای اور استرفت.

خلاصه ایکه موج نار ماینی و  
اعتراضات مردم و اکثر  
کاندیداهای از تمام شهرها و

قصات بلند است. این  
اعتراضات در مجموع سنتیه  
توطنهای، ترویهای و تقلیمات از

جانب حزب انحراف طلب  
جمهوری اسلام، دار و دسته

حرسی آن یعنی ملاها، روای  
کمیتهای و پادشاهیان،  
استانداران، فرمانداران،  
بخشداران، هیئت‌های نظر،

مسئلین حوزه‌ها و حتی  
عدادی از امام جمعه‌های چند  
شهرستان و نیز راد بولویزیون  
بود.

آقای بنی صدر در بر ابران  
موج اعتراضات، تلکرام‌ها و  
نامهای شکایت‌آمیز اظهار  
داشت که:

"برامس شکایت رسمیه  
اگر بینینم که تقلیمات زیاد  
و جدی است، البته  
انتخابات باطل خواهد شد."  
و در پاسخ به شکایت آیت الله  
بندیده گفت:

"نمی‌تونم نسبت به عدم  
لامت انتخابات لاقید  
بعان و بقین بدانید در  
این باره با قاطعیتی تمام عمل  
خواهیم کرد."

او حتی در همدان ضمیم  
سخنواری اش اعلام کرد:  
"تا آنجا که بتوانم زیربار  
مجلس تعقیب نخواهیم  
رفت."

ولی آقای رئیس حمبوی سا  
سیان این وعده و عیدهای  
مقصودی حزب آبریشم بر

روی آتش خشم مردم داشت  
آقای رئیس حمبوی در روز اول

فروردین و در مراسم اولین  
ساز جمهه سال تو حرف خود  
را بس گرفت و صریحاً اظهار

داشت:

"هاظنطور که امام عمر  
مرمود ماند، اصل انتخابات  
رایبا در لوکرد و هرجا که

بقيه در صفحه ۹

تهرانی و استاد شریعتی سه  
رئیس حمبوی ارتقیلات گسترده  
انتخابات حکایت می‌کرد.

اعتماده در تلکرام خود  
رسانی کرد:

سیاستهای آماده شده در  
امراحتات از اولین

ساعات صبح امروز نمرات  
خود را اسان داده و گذشته

ارایکه استانداران،  
فرمانداران و بختداران که

ار فعل حسنه دارد وار  
واسگانه حرب موردنظر

استعمال شدید و اعصاری  
احمیهای اصلی و مرغی را

نیز از طریق کمیتهای  
کاندیداهای مورد حمایت

کرد. در رست صن در گیری  
کاندیداهای امام است...

ترعنی و علی تهرانی طی  
تلکرامی به رئیس حمبوی

انتخابات می‌شد را محدود شد  
و فاقد ارزش "شعاعی و قانونی"

حوالند و احلال انتخابات  
منهجه و حدیث آن را خواستند

حتی علی سهراوی در مورد  
تعیین می‌شد و یکی از

"شیعی جعفری" های ساق  
کفت:

"امرادی که اکون یعنوان  
تعیین می‌شد مردم در مخالیق

انتخابات شده‌اند همان  
سردستهای جهادی بدستان

دوره آرایمه‌ی هستند."

ار حسن آیت الله بسیده طی  
نامهای برشیس نوشته:

"هیچ دوره‌ای به این بحث  
عمل شده و مردم از حکومت

اسلامی انتظار ظلم فاعل  
نداشته‌اند. انتخابات در

خیمن با تغلق، تزویر، و  
تهدید بمنع کاندیداهای

حزب حمبوی اسلامی انعام  
یافتند. حقیقتی و ماضی

دادستان با ارعاب و زندان  
جمعی... در روز رای‌گیری

انتخابات را از حریمان  
طبعی خارج نموده است"

در تهران یکی از اعضا ای  
اصلی این عنوان نظرات مرکزی بر

انتخابات طی نامهای برشیس  
نمود. انتخابات نخواهیم

رفت.

ولی آقای رئیس حمبوی سا

سیان این وعده و عیدهای

مقصودی حزب آبریشم بر

روی آتش خشم مردم داشت

آقای رئیس حمبوی در روز اول

فروردین و در مراسم اولین

ساز جمهه سال تو حرف خود

را بس گرفت و صریحاً اظهار

داشت:

"هاظنطور که امام عمر

مرمود ماند، اصل انتخابات

رایبا در لوکرد و هرجا که

در مجموع این تحقیقات  
سته حقوق مردم و

نیروهای مازر و ترقیخواه  
"آرامش" حاکم بر انتخابات

راه طوفانی از اعتراضات  
میل ساخت.

مردم سدیج را راهی‌بیانی  
و اعتراض عذرای ۱۲ ساعته

خود در روز حجه انتخابات  
کاندیداهایی از حرب حمبوی اسلامی

می‌گردند. لیست اسامی  
کاندیداهای خود را به صورت

مردم تقلب حزب حمبوی اسلامی  
و اعتصاب عذرای ۱۲ ساعته

خود را روز حجه انتخابات  
کاندیداهایی از حرب حمبوی اسلامی

می‌گردند. لیست اسامی  
کاندیداهایی از ح



**چرا خواست رئیس جمهور  
اطاعت کورکورانه از فرماندهان ارتقش شاه...  
بقیه از صفحه ۱**

ایران، فرمانده کل قوا  
بنی صدر دریک چنین شرایطی  
از لزوم بازگرداندن "نظم"  
به ارتش دم می‌زنند و اطاعت  
خدش ناپذیر از مافسوس را  
ضامن چنین "نظمی"  
می‌دانند و دست فرماندهان  
ضد خلقی، را بازمی‌گذارند.

تغییض مسئولیت و قدرت به سران ضد خلقی ارتش، ترویج اطاعت کورکران‌ساز مأمور و تلاش درجهت خلع سلاح توده‌ها در برابر آنان، معنی تدارک مقدمات استیلای حکومت نظامی، معنی پرورش زاهدی‌ها و بال و هر دادن دهها زنرال توپه‌گز که نظایرشان در هرگوشه از جهان به امر اریابان مریکائی شان کودتا می‌کنند، مردم را به کلوله‌می‌بندند و دست به هرجناحتی می‌زنند تا سنافع امیر پالیسیم جهان پو و سرمایه‌داری واپسنه بشه آن حفظ گردد. آنان که در گفتار خود را طرفدار تسلیح توده‌ها کی دانند و صحبت از ارتش

پیش میلیونی می‌کنند، اما  
ر عمل همه تلاشان را برای  
خلع سلاح توده‌ها در مقابل  
سرمایه‌داران و زمین‌داران  
زیرگ به کار گرفته‌اند، آنان که  
در برابر حقانیت انقلابی  
بارزه توده‌ای به منطق  
رشکسته "باندهای سیاه"  
توسل می‌شوند و یا برآر  
سخه‌می‌گذارند، آنان که  
قاطعیت "شان تنها در  
ابطه با ارعاب و سرکوب  
و دده‌های زحمتکش امکان  
جلی می‌یابد، می‌خواهند  
موراهای مردمی را از محتوای  
انقلابی تهی کنند و پرسنل  
انقلابی ارتش را  
اشین‌های بی‌اراده سرکوب  
دل سازند، غافل از آنکه  
تحاد عمل آگاهانه و انقلابی  
و دده‌ها و نیروهای انقلابی و  
رقیخواه، سازماندهی نظام  
طلاعت کورکرانه را ناممکن  
گرداند و پرسنل انقلابی  
ارتش با اتکا به دستاوردها و  
جرحیات انقلابی شان مجال  
عمل چنین نظمی را به  
بماندهان خدلقی ارتش

نقد قول از ظهیر نژاد در  
طبق تلویزیونی اش . . .

در دانشگاه‌های نظامی امیریالیستی و صهیونیستی شکل گرفتگاست و سراسر "مبارزات درخشناد" شان چیزی جز خدمات بی شائبه به امیریالیسم و صهیونیسم نیست، ادعای مبارزه علیه امیریالیسم را هم دارند. این فرماندهان پک شبه آنقلاسی شده که تا مدت‌ها پس از قیام از ترس انتقام و خشم نوده‌های و پرسنل انقلابی — مخفی کاههای خود خزینه‌ده بودند و از اجتماعات مردم وحشت داشتند، اکنون در صدا و سیمای جمهوری اسلامی در برابر میلیون‌ها تن از مردم مبارز میهنخان ظاهر می‌شوندو زیر پوشش غواص‌غیربیانه "سرباز حکومت اسلامی" مقاصد و نقشه‌های تبهکارانه و ضد مردمی امیریالیسم را زاده تبلیغ می‌کنند.

علمیات سیاسی جامعه ما مسلط نبود. این امر بدین جهت قویاً نهایاً می‌شود که بقای نظام بر مایه‌داری در گروی تشییت و مرکز قدرت اداری و سرکوبگر ن است. دو ارگان تشکیل هنده ماشین دولتش بعنی رتش و دستگاه اداری بـ نیازان رشته به امیریالیسم و لبقة سرمایه‌دار ایران مربوط گردند و حیات یکی در گروی قای دیگریست. به همین دلیل امیریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مجدانه درجهت ترمیم من دو دستگاه تلاش می‌نمایند و مسئولیت اجرائی ترمیم و از سازی ارتش بازمانده رژیم و ذشته را فرماندهان ضد خلقی زیم شاه به عهده دارند. رماندهانی که پرورش یافته هنگ حکومت نظامی‌اند و تتمال آئین‌نامه‌های انصباطی رو بازخانهای را بر کل جامعه نظم کمال مطابق خواهد

فلاحتی در پادگان سندج  
مراحتی و قیحانه‌می گوید:  
من با شورا در ارتش  
مخالفم  
ما به بروندۀ تمام کسانی

که نابهحال مرتب جرمی  
شده‌اند در دادگاه ویژه  
اوتش رسیدگی خواهیم کرد  
و به خدمت تمام کسانی  
که قطعنامه نوشته‌اند،  
تحصیل کرده‌اند، اعتصاب  
غذا نموده‌اند و... خاتمه  
"می‌دهیم"

من یا دستیت هم  
من کنم که هیچ کس به  
عنوان نماینده در ارتش  
نداریم و نماینده همان  
کسی است که از بالاتعیین  
شده است. اگر بعداز این  
کسی به عنوان نماینده  
پرسنل معرفی شود. خود  
نماینده را اخراج خواهیم  
کرد. با هر درجه و سمتی  
که باشد. \*

مردم میهین ما قبل از همه  
بیش از هرچیز باید از این  
حقیقت آگاه شوند که چنین  
سیاستی عملاً به مفهوم  
پیردن قدرت مطلق بدست  
رمایه‌داران، فرماندهان  
رشت شاه و جاسوسان  
بریالیسم است.

قدرت گرفتن تدریجی سران  
مود فروخته ارتش و سپردن  
برنوشت جامعه بدست  
ناصری چون فلاحت ها ،  
بیر نزادها علوفه ها و

اھری ها یعنی پیس بسردی  
هداف امپریالیسم امریکا دار

# اعتراضات وسیع مردم ... تقدیماً مفهوم

خطا شده باشد، با قاطعیت رسیدگی خواهد شد. " آقای بنی صدر نشان داد که علا برخلاف گفته خود زیربار مجلس تقلیبی خواهد رفت چراکه او در جستجوی آرامش و امنیت " است و امنیتی که او می خواهد، توسط مجلس تقلیبی و فرمایشی و ارتش امریکائی برقرار می شود. آیت الله خمینی با همه اعتراضاتی که از همه چهار گوشها بران بلنبد بود، انتخابات را کامل و درست خواند و به ریاست رئیس جمهور، برای رسیدگی به تخلفات انتخاباتی نفر را مامور رسیدگی و تهیه خواهد شد. "

ما معتقدیم که این هیئت ویژه نه تنها تقلبات را بر ملا نخواهد کرد، بلکه تقلبات بزرگ و آشکار هم سریوش خواهد گذارد. این هیئت ویژه به همان میزان در خدمت مردم عمل خواهد کرد که هیئت ویژه فرستاده از سوی شورای انقلاب برای حل مشکلات مردم کردستان عمل نمود و به همان میزان در کشف حقایق پشت پرده موثر خواهد بود که هیئت های بررسی از جانب رئیس جمهور، حقایق مربوط به ترور رهبران خلق ترکمن را در اختیار مردم گذاشتند!

واقعاً نه برای تهیه گزارش تقلبات بزرگ حزب جمهوری اسلامی و تخلفات وزارت کشور و منصوبین آن بلکه برای بررسی تخلفات کوچک حوزه ها و ابطال آراء بعضی از آنها جهت خاموش کردن اعتراضات مردم است بطوریکه دکتر باهنر عضو شورای انقلاب بلا فاصله پس از تشکیل کمیسیون ۷ نفره اظهار داشت: "پس از هانزده روز از راهیه گزارش کمیسیون ویژه انتخابات دور دوم برگزار خواهد شد. " و این می رساند که قبل از راهیه گزارش از جانب کمیسیون ویژه

## نمونه‌ای از صد‌ها گزارش انتخاباتی

پاسکاه تلفن کرد و ۵ پاسدار آمدن و سه نفر از مارا به کمیته شماره ۱ برند. در آنجا پس از فحاشی از جانب پاسدارها، ما را در اطاقنی حبس کردند و گفتند: "ناساعت آخر رای گیری همینجا باشید." در اطاق زندانی بودیم که ۵ نفر دیگرهم به ما ملحق شدند که سه نفر از آنان پسر و دو نفر دختر بودند. پس از صحبت معلوم شد که آنان هم از هواداران سازمان هستند و آنها راهم از همان حوزه با همان بهانه دستگیر و بهاینجا آورده‌اند. ما هشت نفر تمام روز را در اطاق محبوس بودیم و در پایان روز که اخذ آراء به پایان رسیده بود، آزاد شدیم. گزارش بالانمونهای از صدها گزارشی است که توسط هواداران به دست ما رسیده است.

من همراه با ۴ نفر از دوستانم در روز برگزاری انتخابات به حوزه اول اتوبان کرج (جنوب پاسکاه پلیسراه) مراجعت کردیم و مشغول نوشتن اسامی کاندیداهای سازمان چریکهای دعائی خلق دربرگ انتخاباتی شدیم. در حین نوشتن یکی از پاسداهار سرک کشید و نگاهی به اسامی کرده و با کمال بیشتر می‌گفت: "چهی می‌تویسی؟ اینها مسلمان نیستند. فریب خورید. چرا بهاینها رای می‌دهید؟"

"بعد من اعتراض کردم و گفتم: "به تو چه مربوطه؟"

آقای پاسدار برگ انتخاباتی: "ا از دستم گرفت و پاره کرد. چون با اعتراض دوست بیکرم روپوشد، ورقه او را هم از دستش قاپید و پاره کرد.

حقیقتی پاسدار با اعتراض همکی و بروشد، بلا فاصله از داخل

# سائبان و دروغ و جعل حقایق را افشا کنیم

## فُئودالها و زمینداران بزرگ علیه دهقانان متعدد می‌شوند

انتخابات مجلس شورای ملی دریکی از رسته‌های جیرفت (روستایی بهجت آباد) جلسه‌ای تشکیل دادند که صدها نفر در این جلسه بطور مسلحه شرکت نمودند. در این جلسه خوانین سوگند وفاداری نسبت به گردیده باد کردند. آنها متعهد شدند که تعریف به هر کدام از خوانین را تعریف به خود تلقی نمایند و برای شرکت در مجلس شورای ملی نمایندگان واحدی معرفی کنند.

در انتخابات مجلس خوانین منطقه رودبار (بخش کهنوج) توانستند حاج علیخان مهیمی را در دوراول به مجلس بفرستند. در منطقه شهرستان جیرفت نیز کاندیداهای خوانین (ابراهیم پور و طیاری) آراء زیادی کسب کردند و طیاری به مرحله دوم رسید.

عباس‌خان منوجه‌مری کاندیدای دیگر منطقه در حالی که خود معلم است، مورد حمایت خوانین منطقه ساردویه است.

خوانین جیرفت از یک طرف بزرگ شهرستان جیرفت، این با خوانین پلوچستان رابطه روزها تلاش زیادی جهت متشکل نمودن خود و سرکوب تیمسار مدنی در ارتباط نزدیک رسته‌ایان منطقه انجام هستند. پس از انتخابات می‌دهند. در رودبار و مناطق زیادی که به نام نام مدنی در این منطقه به صندوق ریخته شد، شدت بیشتری دارد. خوانین اینک این تیمسار این تلاش‌ها اینکه رودبار تا دندان مسلح ایجاد بک حزب سیاسی است که طبیعت استان کرمان پایگاه مهمی برای وی به شمار می‌رود. در جیرفت نیز اکثر زمین‌داران از مدنی حمایت می‌کنند.

پس از انتخابات ریاست جمهوری، مدنی فعالیت خود را برای مشکل کردن پایگاه حمایت خود افزایش داده است. وی به دعوت خوانین جبال بارز (طیاری‌ها) و خوانین رودبار به جیرفت مسافرت کرد. تیمسار مدنی به منظور "سپاگزاری" از زمین‌داران و خوانین یک جلسه سخنرانی در شهر تشکیل داد. این جلسه توسط گروهی از مردم به همکی تفنگداران مخصوص به خود را دارند. اینها از رسته‌ایان فقیر و سایر مردمی که در منطقه جنوبی جیرفت زندگی می‌کنند، به زور اسلحه پاچ می‌گیرند و کسانی را که حاضر به تعکین نباشد، به شدت مورد آزار قرار می‌دهند.

خوانین جیرفت قبل از

## دهقانان الشتر و اتحاد پاسداران با فُئودالها

خیابان‌های شهر دست به راه‌بیمایی زدند. اما در این هنگام پاسداران به آنها بورش برد و شروع به تیراندازی کردند. دهقانان با دیدن چنین وضعی باستک و چوب به مقابله برخاسته پاسداران را به محاصره خود درآوردند. ولی پاسداران با کمک فُئودال‌های محلی توانستند از محاصره بگیرند. به بالای پشت بام‌ها رفت و شروع به سنگ‌گیری کردند. در این میان رحمتکشاون شهر به کمک رسته‌ایان آمد. پرتاب سنگ به آنها پس از رسانند.

این درگیری که از ساعت ۹ صبح شروع شده بود، سرانجام با پا در میانی زاندار مری و پاسداران بومی بانجاكذاشت تعدادی زخمی از طرفین، خاتمه پذیرفت.

پاسداران خواستند که به موضوع غیرعادلانه توزیع مواد غذائی رسیدگی کنند که این بار نیز از طرف مسئولیین پاسخ درستی به آنها داده نشد و هنگامی که چندتگان از دهقانان به این بی‌اعتنایی اعتراض کردند، یکی از پاسخ درستی به آنها داده نشد. در کنکاری آنها پرداخت. این عمل موجب خشم دهقانان به کنکاری آنها پرداخت. این نیز از طرف مسئولیین پاسخ درستی به آنها داده نشد. در حالیکه به مواجه می‌شدند. در حالیکه به چشم خود می‌شدند چونکه روغن و دیگر مواد غذائی از میان نزولخواران، ملاکین بزرگ و افراد بانفوذ تقسیم می‌شود.

روسته‌ایان برای اعتراض به این عمل، چندین بار به بخشداری و سپاه پاسداران سرمایه‌دار نزولخوار، مرگ بر بخشدار، مرگ بر فُئودال، به بخشداری حمله و شورش نمی‌تواند با حیله و شیرینگ دهقانان که فهمیده بود دیگر نمی‌تواند با فرار شد. روزگار شنبه ۱۸ اسفند ۵۸ هزاران تن از رسته‌ایان وارد شد و به بخشداری رفت و از بخشدار و رئیس سپاه که چنین دیدند، در

## اقدامات ضد مردمی دادستان گنبد

و ایجاد تشنج در منطقه است به شیوه‌های فاشیستی متولّ کرده و در حالتی که قادر نیست مردم را برای بازگشت به شهر و عادی کردن منطقه متقادع سازد، اقدام به ارعاب نموده و مردم رحتمکش شهر را تهدید به تصاحب خانه و کاشانه‌شان می‌نماید.

دادستان انقلاب گنبد که از جنگ تحملی اخیر تا به اول بعد از قیام تعداد زیادی از افراد مسلح خود را برای اعلام همبستگی به قم آورده و با آیت‌الله‌خمينی دیدار کرده و بهاین ترتیب موقعیت خود را مشروعیت بخشیده و تشبیت کرده.

هم اکنون این منطقه علاوه بر کنترل خوانین و زمین‌داران بزرگ است که همکی تفنگداران مخصوص به خود را دارند. اینها از رسته‌ایان فقیر و سایر مردمی که در منطقه جنوبی جیرفت زندگی می‌کنند، به زور اسلحه پاچ می‌گیرند و کسانی را که حاضر به تعکین نباشد، به ترکمن صحرانداشتند و سیاست‌هایی از این قبیل هرچه بیشتر به افشاء عوامل جنگ‌افروز در مقابل خلق‌های میهن‌مان خواهد انجامید.

دادستان انقلاب گنبد که خود یکی از عوامل ترورهای ناجوانمردانه مردم بی‌دفعه

توطنه سکوت قوره‌هایان شهید رفاقت اقامه، مختوم، واحدی، جرجانی را محاکوم می‌کنیم

## چرا عاملین جنایات گنبد را به مردم معرفی نمی‌کنند؟

بعد از گذشت یکماه و نیم اینکه افساء دست‌اندرکاران فدائیان شهید رفاقت اقامه، مختوم، واحدی و جرجانی و هنوز عاملین این جنایت به پیشگاه مردم معرفی نگردیده‌اند. آقای بنی‌صدر که در سازمان ما برای چند میان بار اعلام می‌دارد که توطنه سکوت در مقابل اینکونه اعمال ننگی، خیانت به اینقلاب و دستاوردهای فرزندان دلیر خلق ترکمن پس بکرید، با توجه به اینکه زودتر باید عوامل آن در هر مقام و موقعیتی که هستند به پیشگاه خلق ایران معرفی و محکمه و مجازات گردند.

آنکه در مقابله با اینکه پیشین خود را در بسیاره چونکی شهادت اینکن مبارزات مردم بوده و هرچه زودتر باید عوامل این در هر جایی اطلاع دارد و با توجه به اینکه گزارشات دقیق‌ماجرای را دریافت داشته، سکوت اختیار نموده و عمل بمردم

## کارگران متحده می‌شوند

ست که موجب موقتی شدن  
می‌شود.

دوم زیرکی حسابگرانه  
کارفرماس است که به جای اضافه  
حقوق، به دادن پاداش آنکه  
می‌کند. یعنی برای اینکه به  
هر ترتیب که شده زیر بار  
افزایش حقوق نرود، همان  
پول را به عنوان "پاداش" و  
جزی فوی العاده (نه بعنوان  
حریق از حقوق واقعی) به  
کارگران می‌پردازد.

قبول پرداخت پاداش ماهیانه  
۲۰۰ تومان با کارگران وارد  
مذاکره می‌شود که کارگران  
نمی‌بینند و سرانجام با  
پرداخت ماهیانه ۵۰ تومان  
پاداش ماهیانه موافقت می‌کند.  
رئیس قسمت موافقی شدن،  
سرانجام در روز ۹ آسفند  
بطور دستجمعی دست از کار  
کشیدند. کارفرماسه انتظار  
این همبستگی و اتحاد  
کارگران را نداشت، ابتدا با  
همبستگی کارگران بچیلت

کارگران شرکت ایتال  
کنتراتور (قسمت بچیلت) که  
از مدت‌ها پیش خواستار  
افزایش دستمزد بودند و هر  
بار نیز با وعده‌های میهم  
رئیس قسمت موافقی شدن،  
سرانجام در روز ۹ آسفند  
بطور دستجمعی دست از کار  
کشیدند. کارفرماسه انتظار  
این همبستگی و اتحاد  
کارگران را نداشت، ابتدا با

نامه یک کارگریکار برای نشریه کار :

## دولت و کمیته

## کارگران را زروانه زندان می‌کنند!

دادند، ۸ نفر بند ۱۸۰، ۱۷ نفر  
بند ۲ و ۱۷ نفر بند ۳ بمه  
خانواده‌های ما خبرنداشت.  
(بهجز سه‌نفر) یکماه در زندان  
بودم. بعد از یکماه مرا همراه  
۵ نفر دیگر آزاد کردند. به ما  
گفتند. "که شما حقن دارید به  
بندرعباس بروید. " ۱۵۰ تومان  
پول دادند و گفتند. "بروید  
شهر خودتان." من بیرون که آدم باز رفت  
دنبال کار. دستم به جائی  
بند نشد. پیش یک آشنا  
قدیمی (استاد کار سابق) رفت،  
او نم کفت "کارندارم"  
بله، کار نیست. این  
واقعیت. ولی بدختی دیگری  
هم داریم. اونم اینکه که  
خیلی‌ها نمی‌خوان همین راه  
باور کنند چه رسیده اینکه به  
فکر چاره‌ای هم برایش  
باشند. مثلاً من در چهار راه  
مخبر الدوله دیدم مردم دارند  
بحث می‌کنند. منم داخل  
بحث شدم درباره وضع مملکت  
بود. منم واقعیت خودم را  
گفت. بعضی از افراد بودند که  
به جای اینکه با من همدردی  
کنند، مخالفت می‌کردند. یکی  
می‌گفت "شما اصلاح کارگر  
نیستید" یکی به من مارک ضد  
انقلاب چسباند. حرف فقط  
حرف خودشان بود و بس  
صحبت کند. تصمیم گرفتیم تا  
نیایند با ما صحبت کنند، از  
استانداری خارج نشویم. تا  
بعد از نیمه شب داخل محوطه  
نشستیم. پول چندانی هم در  
بساطه‌داشتم. پول هایمان را  
جمع کردیم، نان خریدیم و نان  
حالی خوردیم. تا ساعت یک  
شب عدمزیادی از ما رفته  
بودند. شدیم. ۶ نفر.  
دیدیم از کمیته امام و  
شهریاری به استانداری آمدند  
و مارا محاصره کردند و گفتند  
"سوارشین، بریم" (نگفتند  
زندان کشان می‌کنند، تسوی  
شد راه حل؟ باید به ناباورها  
درست حالی کرد.  
از شما خواستارم که این  
گفته‌های مرا در روزنامه کار  
به چاپ برسانید و سیاست‌های  
ضد کارگری دستگاه‌های دولتی  
می‌کنیم و در تهران بانمایند  
آنچا صحبت کنید." وقتی ما را به تهران  
آوردند، تحويل زندان اوین

## هرگز جانگذار یک کارگر

این فقط یک حادثه نیست  
یک جنایت است. نمودی از  
جنایات هر روزه سیستم  
سرمایه‌داری است.  
با مرگ محمد مراد مرادی،  
کارگر زحمتکش کرد. زن و  
دو فرزند خرد سالش در  
روستاهای پاوه، سرپرست و  
نان آورشان را از دست دادند  
و به همراه همه کارگران و  
زمتکشان سوگوار شدند.

وسائل اینستی و نقص فنی  
جرثقیل ریلی داخل تونل  
روی داد. شورای کارگری  
شرکت، مسئله نقص دستگاه را  
قبل پارها به مسئولین شرکت  
توضیح و هشدار داده بود ولی  
آنان به واسطه مطامع سود  
چهار کارگر دیگر نیز شدیداً  
زخمی شدند که با تلاش  
فداکارانه دیگر کارگران از  
مرگ نجات یافتند. این  
حادثه ناگوار به واسطه فقدان

محمد مرادی کارگر ۲۲ ساله  
شرکت زاپنی "کوماکائی گومی"  
واقع در نیکاراگوئی، روز  
۲۸ آسفند در حین حفاری در  
عمق ۱۵۵ متری زمین جانش را  
از دست داد. دراین حادثه  
چهار کارگر دیگر نیز شدیداً  
زخمی شدند که با تلاش  
فداکارانه دیگر کارگران از  
لازم برای رفع نقص فنی  
نشدند.

## برخوش نشینان دینور چه می‌گذرد

و سرمایه‌داران به اعتراض و  
دادخواهی برخاسته‌اند.  
آنها بارها به شورای انقلاب و  
اخیراً به رئیس جمهوری متول  
شدند ولی با بی‌اعتنایی  
مسئولین روبرو هستند.  
آنها می‌بینند که دولت  
در برابر این‌همه ظلم ساخت  
نشسته است، در برابر قطع  
باغات مشجر، سخن زدن  
کشتزارهای روزگر و حمله  
مسلحانه به خانه‌های خوش  
نشینان، ضرب و شتم دهقانان  
در ملا، عام توسط فتووال‌ها  
و عوامل مزدورشان و در تمام  
این موارد همچنان به سکوت  
خود ادامه می‌دهد و حتی  
دیده شده‌است که فتووال‌ها  
را مورد حمایت قرار می‌دهد.  
آنها می‌بینند که تا به  
امروز طرح اصلاحات ارضی به  
اجرا در نیامده و چه بسا که  
این حکومت هرگز آن را به  
اجرا در نیاورد!

در اختیار آنان است.  
اما با اوج گیری می‌ازار  
زمتکشان می‌همنام در جریان  
قیام، دهقانان و خوش‌نشینان  
منطقه بی‌اعتنایی  
زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران  
خود را به کشت زمین‌ها  
مشغول شدند که این عمل با  
مقاومت فتووال‌ها و  
سرمایه‌داران روبرو گردید و  
توسط عمال مزدور خود و با  
تسلیم به زور شبانه با تراکتور  
خانوار به خوش‌نشینان بدل  
شدند که از کلیه حقوق  
اجتماعی محروم بودند. خوش  
نشینانی که نه کشاورزند، نه  
روستایی و نه شهری بلکه  
آوارگانی که تنها امکان  
زنده‌گشان کار در شهر است که  
بطور ناظم به آن می‌پردازند  
و این در حالی است که بیشتر  
زمین‌هایشان رانده شده و  
وسيله معيشت خود را از دست  
داده‌اند، و با وجود بیکاری  
عظمی که در شهر و روستا  
وجود دارد، محکوم به مرگ  
بطوریکه در هر قریمه‌ماز ۱۰۰  
الی ۱۰۰۰ هکتار زمین و  
باغاتی که وجود دارد، اکثر را

درد هستند دینور بخش صحنه  
کرمانشاه با محدوده چهل  
کیلومتر که حدوداً ۱۰۰ هزار  
نفر جمعیت و ۵۵ هکتار دارد،  
پس از تقسیم اراضی فرمایشی  
شاهنشاهی، عده کشیری از  
دهقانان از هستی ساقط  
شدند بطوریکه در هر قریه از  
۵۰ خانوار، ۲۵ و حتی ۲۵  
خانوار به خوش‌نشینان بدل  
شدند و تکلیفشان هم روشن  
نیست. یک طور باشد درست به  
اینها حالی کرد، باورشان بشه  
که وضع از چه قراره تا بشه  
مسئلرو بهتر حل کرد.  
دولت و کمیته، کارگران رو  
زانه زندان می‌کنند، تسوی  
زندان کشان می‌زند. این  
شد راه حل؟ باید به ناباورها  
درست حالی کرد.  
از شما خواستارم که این  
گفته‌های مرا در روزنامه کار  
به چاپ برسانید و سیاست‌های  
ضد کارگری دستگاه‌های دولتی  
می‌کنیم و در تهران بانمایند  
آنچا صحبت کنید." وقتی ما را به تهران  
آوردند، تحويل زندان اوین

## زحمتکشان و گرانی مسکن

دولت و تشویق خانه سازی تنها از طریق وام دادن منجر به لوکس سازی و بد همار شدن خردیاران تا بدان حد می گردد که با دوسوم در آمد ماهانه شان را باید برای پرداخت قسط خانه بپردازند تشویق خانه سازی بدین ترتیب که نتیجه های جز غارت خردیاران ندارد به امر مشکل مسکن در سطح جامعه نمی ز پاسخ نمی دهد. مشکل مسکن را که کلیه مواد و عوامل سازنده آن فراوان و در دسترس است (آب، خاک، چوب، آهن، شیشه و کارگران بیکار) باید بطور بنیادی و برآسان منافع

\* مشکل مسکن را باید برآسان منافع زحمتکشان حل کرد، نه برآسان محاسبات سودجویانه سرمایه داری.

جامعه و بمویژه منافع زحمتکشان حل کرد و نه بر اساس محاسبات سودجویانه سرمایه داری. خطوط زیر را می توان برای اتخاذ یک سیاست مردمی در امر مسکن مشخص کرد:

- ۱- ایجاد صنایع دولتی تولید مصالح ساختمانی
- ۲- ایجاد شرکت های تعاونی مسکن کارگران، کارمندان، پیشموران و دهقانان کم درآمد
- ۳- تبدیل وزارت مسکن به وزارت ساخت خانه هارزان قیمت با برنامه ای دقیقاً زمان بندی شده برای ساختن صدها هزار واحد مسکونی در سال
- ۴- قدر غن کردن خرید و فروش خانه های مذکور
- ۵- دریافت قیمت خانه های مذکور در بلند مدت، بطوریکه قسط ماهانه آن از حدود یک پنجم درآمد ماهانه تجاوز نکند.

چنانچه دولت چنین سیاستی را اتخاذ کرده بود، تاکنون نه تنها دهها هزار واحد مسکونی جدید ساخته شده بود و به همان نسبت رحمتکشان از چیاول بیش از نیمی از درآمد شان به وسیله پرداخت اجاره مسکن رهائی یافته بودند، برای بخش قابل توجهی از میلیون ها کارگر بیکار نیز کار فراهم شده بود.

از ابتدای پیروزی مردم ایران بر زیم سلطنتی، زحمتکشان شهری درخواست حل مشکل مسکن و کاهش اجاره بهای کمرشکن را کرده اند دولت وعده های بسیار داده از طرح های رنگارنگ سخن گفته است ولی از حل مشکل مسکن که عاجز مانده هیج، کرایه خانه زحمتکشان کماکنرا تک اطلاقی است، افزایش هم یافته است.

علت عدم موفقیت دولت در یکسال گذشته در این مورد چیست؟

دولت ابتدا به پرداخت وام اقدام کرد و سپس با عدم موفقیت این روش و فشار شدید زحمتکشان، بهره وام مسکن را کاهش داد. توزیع زمین و تشویق بی خانه ها به ساختن خانه بطور فردی و نتایجی که از آن گرفته شد، خیالی بودن این روش را نشان داد. اگر روش اول مستقیماً سرمایه داران بخشن ساختمن را در کسب سود مثل گذشته پاری رساند و مشکل مسکن همچنان باقی ماند، روش دوم بی خانه ها را یک چندی فریفت و تنهای تعداد انگشت شماری از آنان را راضی کرد. دولت در هر دو اقدام همان روابط استشارگرانه قبلی را در امر خانه سازی تحت عنوان ایجاد ابتکار خصوصی برقرار و تقویت کرد.

تقریباً همان روابط قبلی بر خانه ساری مسلط است. باز هم سرمایه داران بخشن ساختمن اعم از واسطه های فروش مصالح، بساز و بفروشها، بنگاه های معاملات ملی سرنوشت ساختمن سازی را با توجه به کسب حد اکثر سود برای خود در دست دارند دولتی که در حرف زحمتکشان و در عمل سرمایه داران است، فربه تر شدن سرمایه داران بخشن ساختمن را از طریق اعطای وام به خردیاران خانه مثل گذشته منتظری در سطوح پائین تری با توجه به عدم وجود قدرت خرید متفاضلی مسکن موجب می شود.

اگر دولت می خواست در عمل و نه در حرف مشکل مسکن میلیون ها زحمتکش را حل کند، می بایست چه می کرد؟

تجربه گذشته نشان میدهد

به اصطلاح بیطرف ماندن

## کارگران کارخانه پلاستیک قم

### درویجه اتحاد به پیروزی رسیدند

کارخانه هنر پلاستیک، سازنده لوازم خانگی پلاستیکی، واقع در ۳ کیلومتری قم، ۶۵ کارگر و ۵ کارمند دارد کارگران این کارخانه تا کنون موفق نشده اند، شورائی از نمایندگان واقعی خود تشکیل دهند. از قیام بهمن ماه تا کنون چندین بار تصمیم گرفته اند که نمایندگان از خود تعیین کنند ولی هریار توسط کارفرما، ابریشم چی و عوامل خودروخته اش سرکوب شده اند. کارگران این کارخانه روز بعد ۱۱/۱۸ ساعت بعد از ظهر کارگران شیفت صبح همراه کارگران اخراجی در کانون کارگران قم اجتماع می کنند و ضمن در میان گذاشتن مشکلاتشان بسا نمایندگان کارخانه های دیگر شکایتی به دادگاه انقلاب قم و وزارت کار می نویسند و در این حقوق و مبالغ شان بسوده و شکایت ابتدایی ترین حقوقی را خواسته ایشان را تحقق بخشد

«مجوز قانونی حقوق صنفی کارگران باید قانون کار باشد نه قوانین دیگر. کارگران باید کل قانون کار ضد کارگری فعلی را مورد چون و چرا قرار دهند و این امر تنها با شرکت موثر و فعال نمایندگان واقعی کارگران در تدوین قانون کار جدید می تواند عملی شود.

این تجربه که در آن کارگران

سازنده از طریق دادگاه استhear که متعین نماینده

ساعت ۱۲ ساعت دادگاه، مجوز قانونی برای ایجاد ابتکار خود می یابند، قبل از هر چیز باید کارگران مبارز

نمایندگان باشد.

۴- دادن سود ویژه شود که:

۵- دادن لیاس کار

۶- دادن ناهار

۷- مرخصی سالیانه می تواند با

روز ۳۵ روز روز ۲۱ بهمن،

کارگران برای رسانیدگی به شکایت ایشان به اداره کار مراجعت

می کنند ولی با جواب سربالا از آنها برمی گردند. اداره کار

دیگر کارگران می گوید

ما مطابق قانون عمل می کنیم و کارفرمای شما طبق

ماده ۳۳ قانون کار، حتی اگر ضد کارگری فعلی را مورد چون

و چرا قرار دهند و این امر نه با توصل به دادگاهها بلکه

نتها از طریق شرکت موثر و فعال نمایندگان واقعی شان در

تدوین قانون کار جدید نیست.

کارگران تصمیم می گیرند به فرمانداری قم مراجعه کنند

ولی در آنجا نیز نتیجه های

نمی گیرند.

روز سه شنبه ۲ بهمن از ساعت ۸ صبح در اداره کار

متخصص می شود. در جریان

می‌کشد و با انتکا به بیام امام از پرسنل انقلابی ارتضی می‌خواهد که دوباره به همان مقررات رژیم سابق گردند نهند تا زمینه تحکیم سلطنت امپریالیسم امریکا دوباره فراهم شود.

در کارخانهای کارگران را بخارج، بازداشت و غیره گستاخی کارگران را بخارج، سرمایه‌داران با آشکارا به اجیرکردن مردم را و چاقوکشان تهدید می‌کند. سرمایه‌داران و کارگران اینکه پرداخته و می‌خواهد هر طوری که شده اتحاد و مبارزه کارگران را برمی‌زنند.

در روستاهای فتووالها و زمین‌داران بزرگ و مردم را آشنا سارد بگزینیم را برای تهاجم علیه دهقانان رحمتکش هموار یافته‌اند.

ارتضی دوباره با گستاخی و به سهنه ایجاد امنیت به سرکوب و کشتن خلک کرد برخاسته و فجایع روزهای احیر را افریده است. شیوه‌های ساواک که در سازمان امنیت حدید (ساواپا) در حال شکل‌گیری هستند، فعالیت خود را تشدید کرده و برای خدمت به امپریالیسم و سرمایه‌داری واسطه، برنامه جامی ندوین کرده‌اند. خلاصه آنکه جمهیه ضدانقلاب با گستاخی بینتری علیه مردم و علیه انقلاب دست به شهادت زده‌اند.

و سی تردید طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم جهانی با خشودی تمام بیام آیت‌الله خمینی را از بیکسو برای بسیج دستگاههای سرکوب که بالآخره دیر یا زود باید برای سرد شهادت سا

زمین‌کشان ایران آمده شوند به کار می‌گیرد و از سوی دیگر خواهد کوشید آن دسته از مردم را که هنور به آگاهی طبقاتی کافی دست سیاسته و نی توانند دولت و دشمن حبشه را از هم تمایز کنند. علیه انقلاب و علیه نیروهای انقلابی بسیج کند. در چنین سایه‌ی ایجاد اتحاد عمل همه نیروهای ترقیه‌وار و مدد امپریالیست اعم از ملی و مذهبی و انقلابیون کمیسیت، بیش از هر زمان دیگر صرورت می‌باید عاصر آگاه به ویژه فدائیان باید بیش از هر زمان دیگر و در هرگونه میهن که هستند. مردم را از خطوط ایجاد از خود شهادیان که نمرات مبارزات ایمان و انقلاب شکوهمندان را شهدیدند می‌کند، آگاه سارید. طبقه کارگر، دهقانان، پیشوaran، کسیه و روشنگران ایران امروز در پیروزی سروش ساز سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و با همه احزاب، محاذی و باندهای وابسته به آن درگیرند. مردم هر روز آگاهتر و طبیعتاً متحدتو مشکلتر می‌شوند و در این تناکت تردید و تزلزل همه کسانی که فادریه مارزه بیگر و قاطع با امپریالیسم نیستند. تردید و تزلزل کسانی که می‌خواهد مالکت حصوصی سرمایه‌داری را حفظ کنند، در مارزه بیگر علیه امپریالیسم روز به روز بیشتر آشکار می‌شود. آیت‌الله خمینی و همه روحاںی که تاکنون با امپریالیسم مارزه کرده‌اند، دور راه بیشتر در پیش روی ندارند: با باید سخن خلق را بگویند و در کنار خلق قرار بگیرند و با برای حلوگیری اراده مارزه مردم رحمتکش با کسانی که تا دیبور رو با روی بودند در کنار هم فرار گیرند.

و بالآخره برای هماین مسئله مطرح است که چه تغییراتی موجب شده است در مقایسه با ماههای گذشته در سیاست و سمت‌گیری آیت‌الله خمینی چرخش تازه‌ای بیداید؟

پیام خود روشنگر این مسئله است:

اولاً - جنبش توده‌ای ابعاد و عمق بیشتری یافته است و خواستهای مردم تاحد نقض حرمت سرمایه و مالکیت خصوصی، نقض قوانین نظم طبقاتی پیش رفته است. جنبش توده‌ای باز هم شکوفاً تراوید.

ثانیاً - نشان می‌دهد که جنبش انقلابی و در راس آن جنبش کمونیستی ایران نسبت به گذشته قوت و قدرت بیشتری یافته است. جنبش کمونیستی باز هم قدرتمندتر خواهد شد.

پیام هراسی را بد نمایش گذاشته است. هراسی که احساس می‌کند زمان به زیان نظامهای سیاسی مطلوب ایشان مشغول است.

پیام انکاپس واقعیتی است که آینده امید بخشی را نویدمی‌دهد!

تزویر توماج و هم‌زمان شده بود، چرا به مطبوعات داده و به کیهان دستور دادند و زور آوردند که آن را چاک کند! اگر مطبوعات آزاد هستند بیش چرا اعلامیه‌های فرمانی برازی آنها می‌فرستند؟ بیش چرا آنها کانگره ای از همان احکام کردند و تا امروز هم یک کلام از همان احکام شرعی و فانوئی در مورد علت تعطیل و بازهای اینها و اظهارات هیئت‌تحریریه آنها بودند، انتشار نداده‌اند؟

از این رادیو - تلویزیون در تماش مدت بعد از قیام مردم چه شنیده‌اند؟ این رادیو - تلویزیون در تماش این مدت حر دروغگویی، عوام‌گیری، و فعل احیان جه کرده است؟ روزهای قبل از جنگ کردستان را به خاطر سیارهاید. چقدر سیاستی که جنگ گند را به خاطر سیارهاید. جریان رودن فوران آیت‌الله طالقانی و هزاران هزار دروغی که این رادیو - تلویزیون به خود مردم داده است، همه و همه کواه آن است که این دستگاه نه آزاد است، نه مستقل است و نه بیطرف و نه حای طرح همه‌گونه استقاده. رادیو - تلویزیون و مطبوعات فقط و قوی افتخار آزاد و مستعل حواهد بود که مشی و سیاست حاکم بر حادثه از اساس دکرگون ندهیشد.

\* \* \*

انتشار فرمان آیت‌الله خمینی در مورد آزادی ساواک‌ها و حایاتکاران رژیم شاه و به دنبال آن قرائت‌این بیام نوروزی در مقایسه با زمانی که اسفار اشغال شد، حاکمی از جرخی است که در سیاست و سمت‌گیری آیشان حاصل شده است. هر کس که این بیام را و آن فرمان را می‌خواند آنها را با سخنان آیت‌الله در مقطع تخریب مفتر ا مقایسه می‌کند و می‌بیند که به همان ادرازه که آن حرف‌ها برای امپریالیست‌ها، برای حکومت امریکا و جمیع کارترها تلح و ناگوار می‌آمد، این سخنان برای او و امثال او امیدوارکنده و نویدبخش است. من نامه کارتر که از طرف "دفتر امام" انتشار یافته است، بهترین گیوه خشودی و استقبال امیریکا از این جنین بیام‌های است. آیت‌الله قمی و آیت‌الله مرعشی که از مرتع تربیت روحانیون ایران هستند، طی پیام‌های ایشان روحانیون ایران عنفو ساواکی ها و حایاتکاران روزیم سابق قدردانی و آن را نایاب کردند. پیام نوروزی تسلی حاطیه بود بر دل و حم خود ره سرمایه‌داران و ملاکیتی که از دست مردم به تنگ آمدند. جراحت امام شرط‌ها و امالک آن را تحت حمایت خود گرفت و این حمایت با توجه به تغود امام برای سرمایه‌داران و ترومندان موهبت بزرگی است. فرمادهان ایشان از این بیام بسیار بسیار راضی هستند و برای مقامات اداری از این بهتر چیزی به عیوان عیدی نبود که دریافت دارند و از آن طرف هزاران سریار و در حده‌داری که در ارتش و شهریاری و زاده‌داری خدمت می‌کند. طبیعتاً از اینکه هر روز زورگویی و اجحاف و ملک دریان ایرانی ایشان از این مزد بستر می‌کند، رامیزی فرمادهان مزد نیزند که دوست به اصطلاح روشنگر دیگر بعهد و اگر مردم هیچ نفهمند-نفهمند" بکانی که به صحبت‌های آیت‌الله گوش داده شاند و در آن وقت کردند بآشند، معنای این کلام را بهتر می‌فهمند. زیان ایشان زیانی است که نوده مردم در زندگی روزمره خود با آن آشنا است. این طرز و شیوه حرف‌زدن با مردم باید سرشق و دستور العمل روشنگران انقلابی خلق فزار گرد. کم نیستند روشنگران داشکاهی که وقتی با مردم حرف می‌زنند، مردم زیان آنها را می‌فهمند.

طرز حرف زدن برخی نشریات گروههای ساسی را با مردم بینند که تا چه اندیشه و سمع تربیت توده‌های مردم از آن حرف در می‌آورند! در سه بیام آمده است: "من با رها گفتم که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند" - "نم چنین رادیو - تلویزیون باید مستقل و آزاد باشد و همه گونه انتقاد را با کمال بیطریقی متناسب سازند تا بار دیگر شاهد رادیو - تلویزیون ناه بخلع نگردیم". اس بیمارت سی تولد موردناید و حمایت سروهای متقد و آزادیخواه قرار نگیرد. هرچند که بیام در عبارت بعد این حرف را نقض می‌کند و به مطبوعات احاطه می‌کند که نباید دستاز پا جطیا کند. اگر می‌گویند "مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند" پس آن افلامه کذای گروه چریکی مجعل را که مدعا

## پیام نوروزی آیت‌الله ...

بقیه‌ای صفحه ۴

دهقانان می‌گویند رمین‌داران برگ که رحمت شیعی کشند، حق بردن محصول را دارند. رمین‌مال کسانی است که روی آن کار می‌کند این حق دهقان حرف حق است، فانون ایس. عدالت است و هر شرعی که محلی این باشد است و هر شرعی که عالمی است. هیچ کس حق ندارد کارگر را از کار اخراج کند کارمند را اخراج می‌شوند. امروز کارگرانی که از کار اخراج می‌شوند دهقانی که زندارم‌ها بهزور اسلحه زمینشان را پس می‌گیرند و به مالک می‌دهند، مردمی که امروز سی‌خانه و کاشانه مانده‌اند، زورشان بسیار اسلحه پاسدار و تفنگ زندارم و توب و تانک ارتش نرسد، لاتک بالاخره مردم ریشه ظلم و ستم سرمایه‌داری را برخواهد کند و امیریالیسم را برای همیشه در ایران به چک خواهد آورد. استقلال کامل می‌بین را به چک خواهد آورد. کارگران و زحمتکشان آزادی از بند ستم سرمایه‌دار و فتووال را به چک خواهد آورد. در این هیچگونه تردیدی وجود ندارد.

آیت‌الله خمینی می‌گویند: "اکثر ضربیات مهلکی که به این اجتماع خورده است، از دست اکثر همین روشنگران داشکاه‌رفتهای است که همیشه خود را بزرگ می‌دیدند و می‌بینند و تنها حرفهای می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنگر دیگر بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند نفهمند زیرا دیگر چیزی که مطرح نیست مردم‌اند و قطاع چیزی که مطرح است خود است. این قضاوت در باره اکثر روشنگران داشکاه رفته ایران قضاوتی عادلانه نیست. کجا اکثر روشنگران داشکاهی ما به این اجتماع ضربیه مهلک زده‌اند؟ مگر همین داشکاه نبوده است که همینه در تماش طول حکومت جبار بهلوی سنگ مبارزه و آزادیخواهی و انقلاب بود؟ حالاً چطور شده که اکثر داشکاهیان به این جامعه صربه مهلک زده‌اند؟ که کدام منطق انتظار دارد مردم حرف‌تان را باور کنند؟

ما و همه نیروهای انقلابی همواره گفتم ایم و می‌گویند اکثر جوانان داشکاهی ایران دوست و دلخواه مزد مردم‌اند. آنها به مردم ورشد و تعالی می‌زنند که بسیار قابل تعمق در این بند نهفته است. آیت‌الله خمینی می‌گویند "... حرفهایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنگر دیگر بعهد و اگر مردم هیچ نفهمند-نفهمند" بکانی که به صحبت‌های آیت‌الله گوش داده شاند و در آن وقت کردند بآشند، معنای این کلام را بهتر می‌فهمند. زیان ایشان زیانی است که نوده مردم در زندگی روزمره خود با آن آشنا است. این طرز و شیوه حرف‌زدن با مردم باید سرشق و دستور العمل روشنگران انقلابی خلق فزار گرد. کم نیستند روشنگران داشکاهی که وقتی با مردم حرف می‌زنند، مردم زیان آنها را می‌فهمند.

طرز حرف زدن برخی نشریات گروههای ساسی را با مردم بینند که تا چه اندیشه و سمع تربیت توده‌های مردم از آن حرف در می‌آورند! در سه بیام آمده است: "من با رها گفتم که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند" - "نم چنین رادیو - تلویزیون باید مستقل و آزاد باشد و همه گونه انتقاد را با کمال بیطریقی متناسب سازند تا بار دیگر شاهد رادیو - تلویزیون ناه بخلع نگردیم". اس بیمارت سی تولد موردناید و حمایت سروهای متقد و آزادیخواه قرار نگیرد. هرچند که بیام در عبارت بعد این حرف را نقض می‌کند و به مطبوعات احاطه می‌کند که نباید دستاز پا جطیا کند. اگر می‌گویند "مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند" پس آن افلامه کذای گروه چریکی مجعل را که مدعا

## سیاست‌های "گام به گام"

# گام به گام شاه را به ایران نزدیک می‌کند

دوستان امپریالیسم در سورای انقلاب دست در دست رژیم‌های خودکامه و دست نشانده منطقه نهاده و همگی با دستهای خونین از کشتار زحمتکشان کشورهای خود، قطعنامه اسلام‌آباد را که در تمام سطور آن منافع امپریالیسم مستتر است، امضاء می‌نمایند. در جائی که بادیه نشینان عربستان و زاغه نشینان دیگر کشورهای شرکت کننده از ابتدائی ترین امکانات انسانی محروم هستند میلیاردها دلار جهت خرید اسلحه امریکائی در اختیار ضایاء الحق و شورشیان افغانستان گذارده می‌شود.

چنین اقدامات وسیع و گسترده‌ای از طرف امپریالیسم امریکا تماماً نشانه یک تهاجم خطرناک و پرداشه علیه نیروهای انقلابی منطقه به ویژه خلق مبارز ایران است و همزمان با این تهاجم امپریالیسم، سرمایه داران مزدور ایران از موقعیت اجتماعی خود که در ارکان‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی نفوذ دارد، برای پیشبرد اهداف خائنانه خود بهره‌من کرند آنان می‌کوشند تا تمام ساواکی‌ها را غفونموده‌وار زندان آزاد کنند و برایشان شرایط مطلوب و مساعد فراهم کنند.

درجاتی که تحصین سیکاران به خاطر کار، در اندیمشک و دیگر شهرهای ایران به خون کشیده‌می‌شود، ساواکی‌ها آزادانه برای پاداش عبده و حقوق جلوی نخست وزیری اجتماعی می‌کنند. این عناصر وابسته به امپریالیسم با کمک موقعیت اجتماعی خود می‌کوشند تا با اخراج و تصفیه نیروهای انقلابی در کارخانجات، ادارات و ارتش، زمینه تحکیم مدبیران سابق و سران مزدور ارتش و عناصر وابسته به رژیم سابق را فراهم سازند. مجموعه این عوامل کم در درون کشور ما و منطقه توسط امپریالیسم صورت می‌گیرد، خطری بس جدی را نشان می‌دهد و در این برده از زمان مسئولیت خطیری را به دوش نیروهای متفرق و انقلابی محول می‌کند که با وحدت و تشكیل و پیگیری خود، نقشه‌های شوم امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران را خنثی می‌سایند.

با این اقدامات بودجهای به بود نا در مورد بازداشت شاه تصمیم گرفته شود. مبلغ پنج میلیارددولیست میلیون دلار به ناوگان عظیم خود در منطقه اختصاص می‌دهد، پایگاه‌های متعدد دانشجویان مستقر در لانه نظامی در عمان، سومالی، کنیا کروکانها را آزاد کرده بودند و ترکیه به دست می‌ورد، قراردادهای نظامی وسیعی با دولت دست‌نشانده پاکستان به این‌ها انجام دهیم.

وزیر امور خارجه و شورای مصالحه خود به دفعه از سرپرده عراق را وادار به تحریکات گسترشده‌ای علیه خلق مبارز ما می‌کند. این‌ها کوشما از فعالیت نظامی امپریالیسم امریکا در منطقه رزمنده ایران مانع از آن خواهد شد که امپریالیسم و می‌نمود. این‌ها از فعالیت نظامی امپریالیستی حاکم بر ایران و منطقه به وحشت افتاده بود، خود از شاه جنایتکار بدیگرانی می‌نمود.

\*\* شاه از جانب امریکا و از زبان زاندارم امریکا در منطقه یعنی هیئت حاکمه مصر به سرکردگی انور سادات دعوت گردیده است تا بتوانند دیگر این‌ها را علیه خلق خلق خواهند شد که امپریالیسم و هم‌زمان با این‌ها این‌ها را غفونموده‌وار زندان آزاد کنند و برایشان شرایط مطلوب و مساعد فراهم کنند.

سرمایه‌داران وابسته به آن بتوانند یکی از کانون‌های اصلی ضدانقلاب در منطقه را تقویت کنند، تا بتوانند تمام ساواکی‌ها، فرماندهان مزدور ارتش و سرمایه‌داران فراری را در منطقه علیه خلق هرچند که ایران و دیگر خلق‌های منطقه ایران است که از طرف زاندارم امریکا در منطقه یعنی هیئت حاکمه مصر به سرکردگی ایسور بسیج کنند. ماسک انسان دوستانه امپریالیست امریکا و هیئت حاکمه مصر آن‌ها فضاحت باراست که ستی دلکهای طرفدار حق بشر را نیز به خنده واداشته است.

امپریالیسم از این حرکت توفنده خلق‌های منطقه به هراس افتاده است، سعی دارد که کانون‌های ضدانقلابی را در منطقه تشديد می‌کردد و مسافرت‌های مشکوکی از طرف زنرال‌های جلال رژیم شاه در منطقه صورت می‌گیرد، کشتارگر خلق‌های فلسطین، صحرای غربی و دیگر خلق‌های جهان یعنی امپریالیسم امریکا، با تلاش فراوان مرجع ترین و واپس‌ترین رژیم‌های دست -

با این اقدامات بودجهای به بود نا در مورد بازداشت شاه تصمیم گرفته شود. وزیر امور خارجه می‌کشد تا تمام کاسکوزه‌ها را بر سر خود در منطقه اختصاص می‌دهد، پایگاه‌های متعدد دانشجویان مستقر در لانه نظامی خودکنند که اگر آنها کروکانها را آزاد کرده بودند و ترکیه به دست می‌ورد، ما می‌توانستیم خیلی کارها در صورتی که در همان زمان دولت پاناما با تمام امکانات کوشید تا با توصل به پکارشة مانورهای سیاسی، نظامی و اقتصادی موقعیت خود را در منطقه که بهشدت تعییف شده بود، تقویت نماید. جو پس از امپریالیستی حاکم بر ایران و تدارک بینند، این‌بار بنا بر وظیفه "شرعی" خود تمايلی جهت تنظیم پرونده امور سادات و شاه برسی در رایه شاه به مصراحته می‌نمود. این‌ها از طرف دولت پاناما و هفت ساله شاه که فقط یک‌مورد اتهام هفتاد هزار کشته و چدهزار زخمی است، نشان ندادند. شورای انقلاب و وزیر امور خارجہ با داشتن وکلای بین‌المللی متعدد، تنها یک روز مانده به مهلت تعیین شده از طرف دولت پاناما و مسافرت شاه به مصر را تقویت خود کردند.

\*\* سازشکاران کوشیدند تا لبه تیز تیغ حمله را از امپریالیستی منحرف نموده و از نفرت ضد امپریالیستی مردم درجهت تحکیم موقعیت خود سود بجوینند.

بروندهای ناقص که انگار برای تبرئه شاه تنظیم شده بود، تدارک می‌بینند و بدین طریق تمام شرایط مساعد جهت مسافرت شاهانه به مصر فراهم می‌گردد.

امپریالیسم امریکا، دولت پاناما و شورای انقلاب و وزارت امور خارجه قطب زاده می‌کوشند تا در آخرین ساعت پرواز شاه مختلف به ویژه در کردستان از طریق بسیج ارتش به جنگ افزاره دیگر امپریالیسم، شاپور بختیار در منطقه تشید می‌گردد.

امپریالیسم امریکا هم‌مان

قریب بهج ماه از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم امریکا می‌گذرد. در این مدت متأهد میتینگ‌ها وتظاهرات میلیونی مردم مبارز میهنخان بودند. در تمام این عرکت‌ها خلق‌های تحت ستم ایران با اراده‌ای واحد خواهان استداد شاه جنایتکار و محاکمه‌نکاری او بوازگردانیدن ثروت‌های به بغا رفته خود شدند. امپریالیسم امریکا که از حرک عظیم تدمیری و جو پس از امپریالیستی حاکم بر ایران و منطقه به وحشت افتاده بود، کوشید تا با توصل به پکارشة مانورهای سیاسی، نظامی و اقتصادی موقعیت خود را در منطقه که بهشدت تعییف شده بود، تقویت نماید. جو پس از امپریالیستی حاکم بر ایران موجب شد که دست و پیای مدافعان سیاست‌های "گام به گام" در پوست گرد و بماند و تحرک سیاسی شان کاهش یابد امپریالیسم امریکا برای فعال ترکدن عوامل وابسته به خود و تخفیف جو پس از امپریالیستی و برای منافع آلتی خود، شاه مغلوب را در در آذربایجان ۱۳۵۸ با یک‌هوایی نیروی هوانی امریکا روانه پانا مکرد. برخلاف داستان پردازی - های عوام‌گیریانه قطب‌زاده و شورای انقلاب، دولت پاناما از شاه به عنوان یک رئیس دولت پذیرایی نمود. در ابتدای اشغال مرکز جاسوسی امریکا، در پیشگاه مردم افسا گردیدند که در ادامه‌اش جبهه سرمایه‌داران لیبرال (وبویزه شورای انقلاب) را ببسیار وکنش‌های آشکار و تند در جهت جلوگیری از تداوم این مبارزه و انحراف آن واداشت آنان کوشیدند تا لبه تیز تیغ حمله را از امپریالیسم امریکا منحرف نموده و از نفرت ضد امپریالیستی مردم درجهت تحکیم موقعیت خود سود جویند.

قطب‌زاده که در دوران تصدی مستولیت رادیو و تلویزیون ماهیت ضدمردمی و جنگ افروزانه خود را نشان داده بود، در پیست وزارت خارجه نیز به تحقیق توده‌ها پرداخت و از نفرت توده‌ها علیه شاه جنایتکار بهمنحری مزورانه در تحکیم موقعیت خود سود جست. او در آخرین ساعت تبلیغات برای انتخاب رئیس جمهوری، دروغی شاخدار با بزرگ‌ترین تیتر شاخدار با بزرگ‌ترین تیتر ممکنه در روزنامه‌ها درج نمود که شاه در پاناما دستگیر شده است و چنین وانمود کرد که این اقدامات در پرتو

می کردند. همه اینها در مجموع می گفتند، تلویزیون را می بردند محله به محله ترکمن صحراء. با مردم مصاحبه می کردند آن وقت می دیدند چی به چه؟

این برقامه باعث شد که چشم و گوشم را واکنم و بینم دنیا دست کیم؟

آخر عوام غریبی هم حدی دارد. مردم که غذارو پکی تو دهن نگذاشتند. مثله دو بوتای چهار تاست. ما که بی سواد بودیم، فهمیدیم چه رسید به سوادارها. آخه نمیشه صحبت نا غروب از در و دیوار دروغ بارونت کنند و تو متوجه نشی بالاخره یک روز می نهی:

در نام مدت اهل و عیالش دور و برما نشته بودند. پس بزرگش دم به دم به من چشم میدوخت و بالبخت مد اموش حرمای پدرش را تائید می کرد. وقتی حرف می زد، نشون می داده از کجای دلش میگه. مرتب و منظم صحت می کرد. نقزدن های استاندار بد جوری کلامش رفته.

کرده بود. می گفت: "فلاحی خیال می کردیم اس دوره شاهه. دیدی جه حوری هارت و هورت می کرد. وقتی که بنی صدر از اسلحه صحبت می کرد و می خواست رای گیری کند، آن جاهم خوب پنهانش را زدند. گفتند که مگه ۹۵٪ بداد عای شما به بازگان رای نداده بودند؟ چطور شد که بازگان از تو زرد از آب درآمد. راست هم می گفتند. مگه یاد مون رفته که چه جوری و اسه بازگان سر و دست می شکستند. ولی بعد چطور شد؟ همه دیدند چه جوری گندش درآمد."

می اینجا که رسید پسر بزرگش هم لب واکرد. از قضاوت معلم های مدرسه اش می گفت. از اظهار نظریجه های کلاشن حرف زد. می گفت: "رقا میان بجهه ها خوب کل کرده بودند."

پدر می گفت: استاندار اول توپش خملی پر بود. بعد دیده، نه طرف هم پر زوره، پیو باشد خالی شد. هرچه سعی کرد دیگر نمی توانست دور برداره"

## مردم و مناظره تلویزیونی

یکی از صیادان می گفت:

مناظره تلویزیونی سازمان ما با رئیس جمهور و دیگر مسئولان ملکتی در رابطه با جنگ تحمیلی گند، بحثها و اظهار نظرهای گوناگونی را برانگیخته است. در زیر برحورده یکی از رفقاء هوادار را در این زمینه با چند نفر از مردم شمال که در ایام تعطیلات نوروزی صورت گرفته است، می خوانیم. ما در آینده مجموعه این نظرات را همراه با همه پیشنهادات و انتقادات چاپ می کنیم.

مختلفی می کردند. منهم از فرمانداری بود. هنوز رسمی نشده بود. دل پردردی داشت. خوش صحبت و همه فن حریف. بنی صدر را هنام نمی شاخت. موقع انتخابات ریاست جمهوری امسن را از پرسش پادگرفت و به او رای داد. از هر دری صدمت می کرد. می گفت: "دیگر از این کارها نمی کنم" دیگر از این کارها بکن.

ار احتجاجات فرمانداری می گفت. از قطع ۷۵۰ تومان اضافه حقوق ماهیانه شان قلبی است ولی در زمینه می گفت که در دوره طاغوت بر حقوق شان اضافه شده بود و حالا می باشد تاوان پول های دریافت شده را بپردازند. حرف به درازا کشید. به مناظره رسیدم. برای دیدن برنامه به خانه همسایه بغل دستی رفته بود. طرایف و دقایق مناظره را به دقت خاصی وارسی کرده بود. حتی نویسنده قرار گرفتن صندلی بنی صدر را در گوشه بی حساب نمی دید. می گفت:

"می خواست خودش را دولت بی طرف معرفی کند. می گفت:

"جنش خوده شیشه داره. رئیس جمهور ملکت نباشد. اینقدر دویم زن باشه. حائی که می باشد جواب بدیه، ساکت بودو جائی که می باشد ساکت باشه، پارازیت می داد. من فهمان شب رایم را پس گرفتم. بقیه هم سروته یکدیگر باشند. بود. دهن یکدیگر را نگاه نمی توانست دور برداره"

آقای رئیس جمهور میگوید:

دولت باید سوراها تشکیل بدهد

مامیکوئیم.

دولت راید شوراها تشکیل بدهند



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۵۸/۱۲/۱۸

بالاخره من هم کفش و کلاه کردم و برای دیدن پار و دیار به سمت ولايت رفت. در تمام مدت راه شوق و ذوقم این بود که با مردم ولايت به صحبت بشنیم. از هرجیز و همه کس بگویم. از سیاست و حکومت و سازمان، از بدو خوب. از هرجیزی که با خلق و منافع خلق نسبت دارد. از دوستان و دشمنان خلق، از سازمان های متفرقی و انقلابی، از امپریالیسم امریکا.

بوی سرسپری شمال را شنیدم. ننم باران جان آرزومند درختان را می نواخت گسترده شالیزارهای زیرگشت نرفته، قامت مبارک برنج را در ذهن زنده می کرد، هوا پوش مناظره را به تک تک خانواده داده بود و از آنها خواسته بود که کارهای متفرقه را تازمان پخش برنامه پژوهی بود که به خانه رسیدم.

سرشار و سرمست، سرمست از همه پرده های گوناگونی که با آرم سازمان در تمام طول راه بود. سرشار از فرهنگ سیاسی باروری کاکتیست مردم ولايت دارند. هنوز خستگی راه از تم در نزفته بود که بحث سیاسی شروع شد. همانطور که حدس زده می شد، مسئله مناظره مسئله تازه ای بود. از گوش و کنار اطاق اظهار نظرهای مختلفی می شد. از مادر و خواهر و دایی گرفته تا "کوچولو" ها. توی حرفهای یکدیگر می دویند. بالاخره مادره زورش چربید:

"از اول غروب مردم پای تلویزیون بودند. دل تو دل هیچکس نبود. خدا خدا می کردیم که برق خاموش نشی. استاندار که سر صحبت را واگرد گفت ای داد و بیداد بجهه ای از پس پر نمیان. بعد صحبت که دور زد دیدم نه اینطور نیست. با عوام غریبی و دوزو کلکش کاری از پیش نبرد. اتفاقا بدرهم شد. پاک فایه را باخته بود. بنی صدر هم وسط دعوا خرخ تعیین می کرد. هیچ کجا دنیا دیده نشده" رئیس جمهوری مملکت" ۴ ساعت با مخالفین صحبت بکه! اکسی نبود بنهش بگه آخه مرد حسای شق القمر که نکردن وظیفه را انجام دادی.

تیم: "صد درصد. اگر او نهایا بیان، ظلم نیست، حق کشی نیست، بد بختی نیست." پرسید: "فادای ها کمونیستند؟" - آره" - همشون؟" - آره، همشون" می گفت:

"حالا بنی صدر همچه حرفاشون زند. اگر می زد چه می کردید؟ اون خیلی زرنگه. بهین سادگی دم به تله نمیده" - چویان هم صحبت می گفت: "دیدیم چطوری افتد. تو هچل، هی خودش باد می زد. هی عرق می کرد. حالش بد سود بدر شده بود!"

حدودا ۵۰ ساله بود. با او به صحبت نشستم. از سرمهی کشت و کار و برنج بود. بسوی رنج می داد. ۲۸ سال مستخدم

می زدند. فردا تو راسته ماهی فروشان "از مشتری گرفته تاماهی فروش از مناظره می گفتند. هرچهای جو طجری زده می شد. قضاوت های

کار زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

پیام جبهه خلق در بحرین به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در چهاره تان مبارزینی انترنا سیونالیست با سرشتی بولادین و ایمانی عمیق به حتمیت پیروزی انقلاب مشاهده می کردیم که هم چنین بهترین رزمندگان تان را برای نبرد به فلسطین و عمان گسیل داشتید تا آنجا که خون رفقاء رزمنده تان روابطی ناگستنی میان انقلابیون ایران و عرب ایجاد کرد و این تجسم پیوندی بود در مقابل روابط خیانت آمیز شاه و رژیم های مرتعجم عرب .  
رزمندگان شما سمبل انقلابیون ایران بودند آنچنانکه در فداکاری و از خود گذشتگی در سها از شما آموختیم . نقش شما و نقش سایر سازمان هایی که با مبارزه رزیم دبکاتوری مقابله می کردند حتی در هطن حالت آغازینشان در میان توده های خلقهای ایران غیرقابل انکار است . شماره انقلاب ایران جایگاه فراموشناشدنی دارید که این جایگاه را از راه فداکاری و مبارزه به دست آورده اید به همین دلیل در استمرار انقلاب ایران و حراست از آن و نیز تکامل آن نقش تعیین کننده ای دارد .

زنده‌باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
زنده‌باد مبارزات توده‌های خلقهای ایران و  
انقلاب پیشناخت آن  
زنده‌باد همبستگی مبارزاتی ایرانی- عربی

جبهه خلق در بحرین  
۱۹۸۵ فوریه  
۱۳۵۸ بهمن ۱۹

## معنی دو مجموعه از ترانه سرودهای کارگاه هنر ایران



۱- سرودهای بند (شماره ۱۵۵)

- الف: عشق - آتش - بهار
- خلق - با ما بیا - خورشید
- انقلاب - آرمان خلق

ب: موزیک تنهای سرودها

## ۲- اولین مجموعه از سری آهنگ‌های اجراسدۀ در جشنواره موسیقی، خلق‌ها (شماره ۱۷)

موسیقی خلق لر به مناسبت  
بزرگداشت سالروز قیام  
۲۲ بهمن و حماسه سیاهکل  
به آرم کارگاه هنر ایران روی  
جلد و روی نوار توجه کنید.

رفقای رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!  
با درودهای انقلاب و مبارزه  
کمیته‌ماجرائی جبهه خلق در بحرین با سرت تمام  
همین سال روز آغاز حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران را به شما و کادرها و پایگاههای سازمان و نیز به  
بوده‌های قهرمان ایران تبریک می‌گوید به ویژه آنکه این  
وز مصادف است با نخستین سالگرد سقوط دیکتاتوری و  
پوزی انقلاب.

بی شک رزمندگان و مبارزین فدائی خلق با فدایکردن  
خون خویش راهکشای مبارزه‌ای بوده‌اند که کمتر کسی تصور  
ی کرد با گذشت ۹ سال از آغاز مبارزه مسلحانه، چنین  
میروزی بزرگی نصیب خلق‌های ایران می‌شود.  
شما همچون شراره‌ای در قلب تیرگی و همچون نقطه  
میدی برای خلقتان در قلب ناابدی کشنه بودید و  
سریات کوبنده شما علیه ازار سرکوب و حشیانه‌انبوهی از  
مید برای مردم تحت ستم و دیکتاتوری ایران بود.  
رزمندگان فدائی خود را ساخت مایه آتشی قرار  
دادند که انقلاب را افروخت و همراه سایر انقلابیون  
استین با سرخست ترین رژیم‌های دیکتاتوری مورد حمایت  
امپریالیسم امریکا (سرگروها امپریالیستی) جتکید و طی  
ین نبرد نقاب از چهره رژیم برداشته، بنیان آن را به  
مرزه درآورده و آنگاه که شرایط رستاخیز توده‌ها فراهم  
شده رژیم استبداد و دیکتاتوری را درهم کوبید و  
بیشه سلطه امپریالیسم امریکا را به لرزه درآورد.  
آنگاه که شما با دیکتاتوری شاه نبرد می‌کردید، ما همواره

کتابخانه ایرانی در آمریکا

بە کۆنی خلۇق تۈركىيە

١٣٦٨ / ١٢ / ٢٠٢١

ما دانشجویان انتیمار عینی خود را از گشتهای خلی ترکن بجزه تر و چهار نه  
از همین اسناد سر کنی خلق ترکن که به شیوه ساوان صورت گرفته و پاد آور شهادت ۱  
روزنه در روم سایی است لعلام مهدایم. بن شاه خلی ابراهی طلاقی را که با سکوت و تملل در  
عفیق و محاذات صبیین، تکرار چنین فناهاست را باعث میشوند صلول واقعی این جنایات مهدایم  
ما خواستار صرف و مجازات هر چشمیوثر طراحت و مجریانه این جنایت هستیم.

آمیخته ادبیات اسلامی

ISA-C6  
P. O. BOX 2638, STA. A  
SPRINGFIELD, ILL.

بر نوشت بشه:

- ۱- سفارت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن آمریکا
- ۲- سفارت مرکزی حقوق بشر
- ۳- کانون زندانیان سیاسی ایران
- ۴- کانونهای تحقیقاتی ایران
- ۵- مردمخواهی اسلام
- ۶- روزنامه اطلاعات
- ۷- روزنامه کمپین
- ۸- روزنامه انقلاب اسلامی
- ۹- روزنامه جمهوری اسلامی
- ۱۰- تحریر به "کبار"
- ۱۱- نشریه "مجامد"
- ۱۲- هفت‌نامه "جنین"

خاطره  
قاضی محمد  
ویارانش را  
گرامی داریم

در سپیده دم دهم فوری دین  
سال ۱۳۲۶ رهبران و ایه  
گذاران جمهوری ملّتی و  
دموکراتیک کردستان، قاضی  
محمد، سیف قاضی و صدر قاضی  
در میدان شهر (میدان قاضی  
محمد کنونی) مهاباد به دست  
درخیمان رزیم ضد خلقی شاه  
به دار آ ویخته شدند و سنت  
انقلابی شهادت در راه آرمان  
خلق را پاسداری نمودند.  
خلق رحمتکش و مازر کرد،  
که سالیان در راه سلطنه  
حفغان بار رضا شاهی و ستم  
و انقیاد ملی و طبقاتی رنج  
می برد، در سال های پیش از  
شهریور ۲۵ دوش مدوسن دیگر  
توده ها و خدقهای مازر و  
انقلابی میهن، به عرصه مبارره  
فال ملی و طبقاتی بای شهاد.  
در این مبارزه سهم ارزشده و  
مازر قاضی محمد و دیگر  
انقلابیون دمکرات و مازر دزد  
سازماندهی و هدایت مبارزه  
خلق رحمتکش کرد و اعتلای  
سنت های مازر دمکراتیک و  
ترقبخواهانه در جامعه شایان  
تووجه است.

پیکار دمکراتیک و ملی در  
کردستان به رهبری قاصدی  
محمد، بخشی از حنبش ضد  
امیریالیستی و رهائیخشن  
توده‌های سراسر ایران بود.  
رژیم ضدخلقی شاه در هراساز  
گسترش چنین مبارزاتی (که  
ابعاد دمکراتیک مبارزه سراسری  
در ایران را گسترش می‌داد) ،  
بود، نااطلاق تحزیه طلبی به  
آن، آن را مورد تهاجم و  
سکوب فرار داد.

خاطره مسازه و شهادت  
فاصی محمد و بارانش سا  
ست های مسازاتی خلقها و به  
ویژه خلق رحمتکش کرد گرمه  
حورده و با زندگی و فرهنگ  
آشنا عجین شده است . شهدای  
خلق همواره در فرهنگ اقلایی  
خلو، حاوید خواهند زیست .

## گرامی باد یاد شهداي به خون خفته خلق